

## تایید حکم اعدام برای سلیم صابرنیا و عبدالله قادری

دادگاه انقلاب تبریز پرونده سلیم صابرنیا و مصطفی قادری را مورد تجدید نظر قرار داده و حکم اعدام برای آنها را تأیید کرده است. صابرنیا و قادری از اعضای کومه له هستند که اواخر سال گذشته در منطقه کردستان بازداشت شده اند. صابرنیا ۳۰ سال و قادری ۲۸ سال دارد.

سازمان عقوبین المللی با انتشار نامه ای از همه حامیان حقوق بشر خواسته است که با ارسال نامه به مقامات ایرانی علیه صدور این حکم اعتراض کنند و خواهان تضمین رفتار انسانی با آنان شوند.

ما صدور حکم اعدام برای سلیم صابرنیا و مصطفی قادری را محکوم می کنیم و همبستگی با این قربانیان ترور و اختناق حاکم بر ایران و حمایت از درخواست عقوبین المللی را یک وظیفه انسانی می شناسیم. در محیط کار و زندگی همگان را از تصمیم رژیم حاکم بر ایران برای قتل این دو مطلع کنیم و اقدام برای اعتراض علیه آن را طلب نماییم.

## اعضای اوپک به توافق رسیدند

- سقف تولید اوپک ۹۵۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت
- سهمیه ایران به ۳/۶ میلیون بشکه در روز رسید

وزیران نفت ۱۲ کشور عضو اوپک در اوائل مهرماه بقصد چاره جویی برای وضع آشفته بازار نفت در ژنو گرد هم آمدند. پیش از آن قیمت نفت در بازارهای جهانی شدت سقوط کرده بود و بدین خاطر کشورهای عضو اوپک در سه ماه گذشته در مجموع ۳۰ میلیارد دلار ضرر کرده بودند. قیمت نفت از رقم تعیین شده بشکه ای ۲۱ دلار فاصله زیادی داشت. نفت سبک ایران که در سپتامبر سال گذشته ۱۹/۳۵ دلار معامله می شد، در سپتامبر امسال به مقدار ۱۴ دلار فروش رفت. پیش بینی می شد که در صورت تداوم این وضع قیمت نفت حتی از ۱۰ دلار نیز کمتر شود. علت کاهش قیمت نفت در ماههای اخیر به هم خوردن تناسب عرضه و تقاضا در بازار بین المللی بود. بحران و کاهش رشد اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی تقاضا را به میزان قابل توجهی کاهش داد.

افزایش تولید نفت شمال در حد رقم بنیاسه ۵ میلیون بشکه در روز و بالا رفتن میزان صادرات جمهوریهای سابق شرویی در اثر کاهش مصرف داخلی ناشی از بحران اقتصادی از طرفی و تخطی بعضی از اعضا اوپک از جمله ایران، کویت و نیجریه در رعایت سهمیه های تعیین شده فروش، عرضه نفت را به مقدار زیادی بالا برد. هدف اجلاس مهرماه اوپک، بررسی وضع بازار و علل سقوط قیمت نفت و براساس آن تعیین یک سقف تولید جدید مناسب و تعیین سهمیه بندی مجدد کشورها بود. میزان تولید واقعی اوپک در آستانه برگزاری اجلاس ۲۴/۳ میلیون بشکه یعنی ۷۰۰ هزار بشکه بیشتر از سقف تولید رسمی بود. کشورهای کویت، نیجریه و ایران که مصوبات پیشین را رعایت نمی کردند هر کدام تعیین سهمیه جدیدی برای خود را از جانب اوپک می طلبیدند. کویت بجای ۱/۶ میلیون بشکه، سهمیه ۲/۱۶ میلیونی درخواست می کرد تا بتواند سهمیه ای معادل امارت عربی متحده داشته باشد. ایران حداقل خواهان افزایش ۱۶ هزار بشکه به سهمیه اش بود و نیجریه هم وضعی مشابه داشت.

دیگر کشورهای عضو اوپک در ادامه در صفحه ۲

## دهها هزار نفر در زلزله هندوستان کشته شدند

مجروح و اجساد کشته شدگان از زیر آوار و گمگم رسانی به مردم آواره، به منطقه اعزام کرد. دولت هند در پیگیری سیاستی که معمولاً در هنگام فجایع طبیعی در پیش می گیرد، به گروههای امداد خارجی اجازه حضور در منطقه آسیب دیده را نمی دهد. اما شدت فاجعه اخیر به حدی بوده است که دهلی نوبیر خلاف معمول، خواهان اعطای

هشتم مهرماه به وقت محلی روی داد. در حالی که بسیاری از مردم روستاهای پیرامون شهر کیلاری در خواب بودند، زلزله خانه های سنگی این مناطق روستایی را درهم کوبید و دهها هزار نفر را زیر آوار سنگین مدفون کرد. شدت زلزله هشتم مهر، روی محور ریشتر ۶/۴ درجه اعلام شد. بر اثر این زمین لرزه، چندین روستا با خاک یکسان شدند.

ارتش هند بلافاصله هزاران سرباز را برای جستجوی افراد

بر اثر دوزلزله پیاپی در روزهای پنجشنبه و جمعه هشتم و نهم مهرماه، ایالت ماها راتشرا واقع در جنوب غربی هند محتمل بزرگترین فاجعه زمین لرزه در هندوستان طی پنجاه سال اخیر شد. آخرین آمار از شمار قربانیان زمین لرزه هند حاکی است بیش از سی هزار نفر از مردم ماها راتشرا جان خود را از دست داده اند. زمین لرزه اصلی که یک زلزله خفیف تر را در پی داشت، در ساعت ۳ و ۵ دقیقه صبح پنجشنبه

ادامه در صفحه ۱۰



## عملیات تروریستی علیه مجاهدین در خاک عراق

در هفته های اخیر روزنامه های وابسته به حکومت بویژه روزنامه کیهان از حملات و ترورهای خبر می دهند که بنا به نوشته آنها از سوی "معارضین عراقی" یا "نیروهای مردمی عراق" علیه اعضاء و امکانات سازمان مجاهدین خلق در داخل خاک عراق صورت می گیرد. گفته می شود در اثر این حملات تاکنون تعدادی از افراد مجاهدین کشته یا زخمی شده اند و برخی امکانات تدارکاتی یا تسلیحاتی آنها از بین رفته است.

روزنامه کیهان در آخرین خبری که در شماره ۱۳ مهرماه خود چاپ کرده است، نوشته است "نیروهای مردمی عراق مرکز اصلی تدارکات منافقین در بغداد را با استفاده از موشک آرپی جی به آتش کشیدند."

کیهان از قول خبرگزاری جمهوری اسلامی نوشته است: "این انبار تدارکاتی در حاشیه اتوبان محمد قاسم و در نزدیکی مقر مرکزی منافقین در میدان اندلس بغداد قرار دارد." خبرگزاری جمهوری اسلامی منبع این خبر خود را "یک منبع موثق در بغداد" اعلام کرده

## نیروهای انتظامی پیش از پیش تقویت میشوند

- نیروی انتظامی تحت فرمان مستقیم وزارت کشور قرار گرفت
- نیروهای مسلح به سرکوب شدید تر "ضد انقلاب" فراخوانده شدند

با توافق علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی نیروهای انتظامی بطور مستقیم تحت فرمان وزارت کشور قرار گرفتند. در نامه ای که محمد بشارتی وزیر کشور بدین مناسبت به خامنه ای نوشته است، به "مشوریت خطیر وزارت کشور در خصوص برقراری حفظ امنیت عمومی" اشاره شده و از خامنه ای درخواست شده "اختیارات فرماندهی معظم کل قوا در امور نیروی انتظامی را طبق روال گذشته، بجز مواردی که تاکنون استثناء

روزنامه های ایران، هیچ گونه توضیحی در مورد علت این تصمیم گیری داده نشده است. اما نشانه ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی تصمیم گرفته، نیروهای انتظامی را به صورت فعالتر و آشکارتری به میدان آورد. علی محمد بشارتی وزیر کشور در سخنرانی های متعددی که پس از بدست گرفتن مسئولیت نیروی انتظامی انجام داد، از آنان خواست که بر فعالیت خویفزا بیایند. بشارتی در مراسم معارفه بعنوان جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی، خطاب به مسئولان انتظامی کشور گفت: "من ایجاد دو عنصر مهم نظم و امنیت در جامعه را از نیروی انتظامی خواستارم" وی خطاب به فرماندهان گفت: "از تمام امکانات برای آرامش و آسایش مردم استفاده کنید و کمبود امکانات و نیرو را من جبران خواهم کرد." گفته می شود در جهت اجرای این سیاست پرسنل نیروهای

ادامه در صفحه ۳

## سرکوب و کشتار بنام دموکراسی

در برابر دوربین های تلویزیونی که حوادث مسکورا لحظه به لحظه در مقابل چشم میلیونها بیننده در سراسر جهان قرار می دادند، بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه با حمایت یکپارچه و بیدریغ دولتهای غربی، مخالفین خود را بنام دموکراسی سرکوب و کشتار کرد و حرکت نهایی بسوی استقرار یک دیکتاتور تمام عیار را آغاز نمود.

یلتسین در بحران سیاسی اخیر روسیه با اعمال قهر و تکیه بر نیروی نظامی بر مخالفین خود پیروز شد. او پارلمان را منحل کرد و ساختمان آن را به توپ بست، احزاب مخالف را موقتاً غیر قانونی اعلام نمود، انتشار تعدادی از روزنامه ها از جمله "پراودا" را بحالت تعلیق در آورد، روسکوی و خاسبولوف را زندان انداخت و قدرت را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز نمود. یلتسین با کوه تازی خود علیه پارلمان و مخالفت لجوجانه با درخواست پارلمان و نمایندگان مناطق مبنی بر برگزاری همزمان انتخابات پارلمان و انتخابات ریاست جمهوری، زمینه را برای درگیری قهرآمیز و کشتار مردم فراهم آورد. او از فرصت های مساعدی که برای مذاکره و حل مسالمت آمیز موضوع پیش آمده بود، استفاده نکرد و عاقدانه جریان امور را بسوی اعمال قهر و خشونت سوق داد.

توازن قوا را بنام تفعیل هیچکدام از طرفین درگیری نبود و در این میان ارتش نقش تعیین کننده پیدا کرد. ارتش در هر طرف که قرار میگرفت کفه بسودا سنگینی میکرد. ارتش ابتدا اعلام بیطرفی کرد. ولی حمایت یکپارچه غرب از یلتسین موجب شد که ارتش از دودلی در بیاید و در جانب او قرار گیرد. یلتسین بدست ارتش روسیه مخالفین سیاسی خود را سرکوب کرد.

در ابتدا یلتسین بسود خود می دید که نیروهای مخالف را بدون توسل بزور کنار بزند چرا که در سطح بین المللی و ملی میتوانست فریبکارانه و انمود سازد خواهان حل قهرآمیز مسئله قدرت نیست. اما زمانی که اوضاع را مساعد دید، حمله هواداران پارلمان به شهرداری و ساختمان راد یووتلویزیون را دستاویز قرارداد و فرمان به شهرداری و پارلمان و کشتار مردم را صادر نمود. او با این اقدام نشان داد که دست کمی از هم نسخ های دیکتاتور خود ندارد و برای حفظ قدرت حاضر است به هر جنایت و کشتاری دست بزند.

در این جریان روسکوی و هواداران پارلمان درایت سیاسی و برخورد سنجیده و مسئولانه ای از خود نشان ندادند. نقطه قدرت آنها تکیه بر قانون و دفاع از قانونیت بود. ولی حمله به شهرداری و ساختمان راد یووتلویزیون و توسل به قهر مغایر با قانون بود و بهانه بدست یلتسین داد. او از این فرصت بیشترین بهره را گرفت.

ادامه در صفحه ۲

در این شماره
باردیگر از باورها ..... در صفحه ۷
اتهامات معجول و فتوای قتل ..... در صفحه ۸
اوضاع اقتصادی ایران
از نگاه شرکای آلمانی جمهوری اسلامی ..... در صفحه ۹

## یادداشت تامین آزادیهای سیاسی، نخستین شرط امر توسعه

چگونگی و راه‌های توسعه کشور و غلبه بر عقب ماندگی‌های روز افزون، بحث‌های فراوانی را در میان نیروهای سیاسی و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی بوجود آورده است. دامنه این بحث‌ها مدتی است که به درون حکومت اسلامی نیز کشیده شده است و جناح‌های مختلف نظرگاه‌های متفاوتی را مطرح می‌کنند. درباره‌ی این محافل حکومتی که حول رئیس‌جمهور گرد آمده‌اند، این نظر قوت بیشتری می‌گیرد که راه نجات جمهوری اسلامی، غلبه بر بحران اقتصادی و توسعه کشور است. در عرصه اقتصادی راه حل مورد نظر همان توسعه‌ی بنیادین و صندوق بین‌المللی پول است که بعنوان سیاست تعدیل اقتصادی ارائه شده و در حال اجرا است.

نکته قابل توجه در این مباحث رابطه بین ساختار سیاسی و اقتصادی و به بیان دیگر رابطه توسعه با آزادی‌های سیاسی است. آیا می‌توان بدون تامین آزادی‌های سیاسی به رشد اقتصادی دست یافت؟ رفسنجانی در دوره اول ریاست جمهوری اش برای پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی اندکی از فشارهای اجتماعی بر مردم کاست و روزهی ای در عرصه مطبوعات برای فعالیت روشنفکران گشود. اما با فروپاشی اتحاد شوروی و شکست مشی‌گاری چند دینوسازی این کشور، رشد حرکات اعتراضی مردم و یوزبه شورش مردم در سه شهر مشهد، شیراز و اراک این فکر را در او زنده یکانش قوت گرفت که فرم همزمان در اقتصاد و سیاست فاجعه آفرین است و تامین آزادی‌های سیاسی در کشور می‌تواند به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود. طرفداری از دولت اقتدار ملی یعنی دولتی که با اتکا به دیکتاتوری که اصلاحات اقتصادی را انجام دهد، قوت گرفت. روزنامه سلام در مطلبی تحت عنوان "کدام الگو برای توسعه؟" به این موضوع اشاره کرد: سلام نوشته است که در برخی مراکز مهم تصمیم‌گیری این موضوع مورد توجه قرار گرفته است، در این مراکز با توجه به دو الگوی خصوصی سازی و تعدیل در چرخه شوروی سابق و فروپاشی شوروی گرایشی به مدل چینی توسعه یعنی اصلاحات اقتصادی منتهای آزادی‌های سیاسی تقویت شده است. طرفداران این سیاست مدعی هستند که چنین مدلی با ساختار سیاسی جامعه ما تطابق بیشتری دارد.

صاحبان این دیدگاه معتقدند که جامعه توان و کشتش پذیرش همزمان اصلاحات اقتصادی و آزادی‌های سیاسی را ندارد و موجب می‌شود که اصلاحات اقتصادی شکست بخورد و به نتیجه موفقیت آمیز نینجامد. نسخه پیچان این نظر بر آنست که تعدیل باعث می‌شود که فقر و فلاکت در بین قشر وسیعی از جامعه تشدید شود و باز کردن سیاسی شدن گرفتار انتقادها و حرکات اعتراضی مردم منجر خواهد شد و لذا راه اصلاحات بسته خواهد شد. آنها معتقدند که بعد از رسیدن به رفاه اقتصادی باید به تدریج فضای سیاسی را باز کرد و بقولی بصورت قطره چکان و آنهم از بالا شاهد آزادی را به حلقوم مردم ریخت. برخی از هواداران این تفکر اعتقاد دارند که حتی در شرایط مذکور نیز نباید اجازه تشکیل سازمانها و تشکلهای مستقل را داد. احزاب، سندیکاها و سایر نهاد های دولتی تنها توسط خود دولت بصورت کاملا کنترل شده تاسیس گردد.

لیکن این بحث‌ها آنجا که با واقعیتها و شرایط موجود جامعه ایران سروکار دارد، بوجوی معنی است. بحثها و سیاستهای ناظر بر توسعه قبل از هر چیزی باید این مسئله را حل کند که چگونه می‌توان امکانات ملی و بین‌المللی را - که یک کشوری می‌تواند در اختیار داشته باشد - به فعل در آورده و به خدمت توسعه و ترقی کشور در آورد. مشکل اصلی کشور ما این است که با سیاستهای فعلی حاکم بر آن استفاده از امکانات ملی و بین‌المللی محروم است و تا زمانیکه در سیاستهای داخلی و خارجی کشور تغییرات اساسی ایجاد نشود، کشور ما حتی فاقد امکانات ضروری برای حل مشکلات روز خویش است چه رسد به آنکه فکری برای فردای خویش بکند. با بستن دهان مردم، سرکوب آزادیهای سیاسی، محروم ساختن میلیونها متخصص و دانش آموخته ایرانی از بازگشت آزادانه به میهن، تحقیر سالاران و متخصصان قلیلی که در کشور مانده‌اند، به جالش خواندن جهان خارج بنا به تمایلات ایدئولوژیک و ... ایران به تنها جایی که می‌تواند برسد تا کجا آباد فقر و فلاکت و قرار گرفتن در ردیف محروم ترین کشورهای جهان است.

تجربه چین هم قبل از هر چیز همین را تأیید می‌کند. چین موفقیت خود را مدیون آنست که امکانات ملی خود را تماماً در اختیار داشت و برای در اختیار گرفتن امکانات بین‌المللی شروع به تغییر و تصحیح سیاستهای بیرون مرزی خود کرد. چین هیچگاه روشنفکران و متخصصان کشور را از خود نرانده بود. آن شکافی که امروز میان مردم و حکومت در کشور ما وجود دارد هیچگاه در چین وجود نداشت. رفهماد در چین در هر گام پیشرفت خود پاسخگوئی منافع اقشار وسیع مردم بود و نتایج سودمند رفهماد روز بروز بیشتر بود تحکیم همبستگی ملی عمل کرده و راه ترقی و پیشرفت را هر چه بیشتر بازمی‌کرد. آیا در کشور ما هم وضع چنین است؟

بنا بر این در کشور ما نخستین شرط برای تامین اراده واحد و بسیج همه امکانات لازم جهت پیشبرد امر توسعه، غلبه بر آن شکافها و اجرا احتیاج عمیقی است که جامعه دچار آنست. یا دیکتاتوری نمی‌تواند برای این معضلات فایده آید. این معضلات خود محصول دیکتاتوری خستون بار و خونین هیات حاکمه جمهوری اسلامی است. تنها راه غلبه بر این وضع، تامین آزادی‌های اساسی مردم است تا راه تفاهم و همکاری برای حل مشکلات کشور در مقیاس ملی و بین‌المللی هموار گردد.

## با کمکهای مالی خود ما را یاری رسانید

### ادامه از صفحه ۱

است که حمایت‌های غرب و وعده وعیدهای آن پشتوانه اساسی یلتسین در سرکوب مخالفتین بوده است.

غرب که خود را متادی پارلمانا تارسم میدانند و آنرا جزو ارزش‌های اساسی خود می‌شمارد، انحلال پارلمان توسط یلتسین را نه تنها ضد دموکراسی و مستبدانه ندانست بلکه آنرا امری ضروری و سودمند مکرراسی بحساب آورد. آنها حرکت اعتراضی هواداران پارلمان را کودتا عنوان گذاشتند و کشتار وسیع مردم بدستور یلتسین و به توپ بستن پارلمان را دموکراسی نامیدند. غرب فریبکارانه عنوان نمود که پارلمان روسیه بطور آزاد انتخاب نشده و بازمانده رژیم سابق بوده و یلتسین منتخب مردم است.

غرب چند سال پیش در جریان سرکوب حرکت اعتراضی دانشجویان در میدان تین آمین، علیه دولت چین به اقدامات وسیعی دست یازید و دولت پکن را بحق بخاطر کشتار مردم و سرکوب جنبش دانشجویی بشدت محکوم کرد. ولی امروز همانها کشتار مردم روسیه و انحلال و به توپ بستن پارلمان را امری ضروری و سودمند مکرراسی تلقی میکنند. این برخورد برای امر مهر تایید گذاشت که برای غرب در رابطه با کشورهای دیگر پایه و اساس نه حقوق بشر و شیوه‌های دموکراتیک حکومت، بلکه منافع مطرح است. غرب در روسیه در پی استقرار دموکراسی نیست و بعمد خطر محافظه کاران را برجسته میکند تا برای دیکتاتوری یلتسین زمینه سازی کند. غرب نه روسیه قوی و دموکراتیک، بلکه روسیه ضعیف و وابسته را میطلبید. در شرایط کنونی یلتسین فرد مناسبی برای تامین چنین اهدافی است.

ولی آنچه مسلم است پیروزی یلتسین برخلاف تبلیغات غرب نه پیروزی دموکراسی، بلکه استقرار دیکتاتوری فردی است. یلتسین بعد از این رویدادها تلاش خواهد کرد که قانون اساسی دست پخت حامیان خود را به تصویب رساند، پارلمان موافق خود را تشکیل دهد و قدرت را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز سازد. یلتسین نه در پی نهادی کردن دموکراسی، بلکه در صدد استقرار دستگاهی مبتنی بر اقتدار شخصی است. قدرت او در واقع بر نیروها و ساختارهای دولتی استوار است. یلتسین میخواهد در حقیقت خود یک حزب باشد. تکیه او عمدتاً بر بوروکراتهایی است که از راه رشوه ارتزاق میکنند.

مخالفتین یلتسین طیف وسیع و ناهمگونی را تشکیل میدهند. مخالفت با یلتسین و کند کردن شتاب اصلاحات، آنها را در یک صف گرد آورده است. این نیروها عمدتاً عیان تندی از کمونیست‌ها، ملی‌گرایان، اتحادیه‌های شوروندان و سوسیال دموکراتها. هر چند هر یک از این نیروها از موضع خود با یلتسین می‌ستیزند، اما قرار گرفتن نیروهای چپ در کنار نیروهای فاشیست و ناسیونالیستهای افراطی، به اعتبار

## اعضای اوپک به توافق رسیدند

### ادامه از صفحه ۱

راس آنها عربستان سعودی به هیچ وجه تمایل به کاهش سهمیه خود نداشتند. بنا بر این موضوع کاهش یا حتی تثبیت سقف تولید موجود با توجه به مسائل پیش گفته و همچنین بخاطر نزدیک شدن فصل سرما که در آن بطور طبیعی انتظار تقاضای بیشتر می‌رود، نمی‌توانست مطرح باشد. از این رو کشورهای اوپک نسبت به افزایش ۵۰ هزار بشکه به سقف موجود و تقسیم آن در میان بعضی اعضا توافق کردند. کشورهای اوپک به توافق رسیدند که بحدت ۶ ماهه (از مهر ماه تا فروردین) هیچگاه روزانه بیش از ۲۴/۵۲ میلیون بشکه تولید نکنند و ایران، کویت، ونزولا و نیجریه با افزایش ۴۰۰ هزار بشکه در سهمیه مجازشان موافقت کردند. بدین ترتیب سهمیه ایران و کویت به ترتیب ۳۰۶ و ۲ میلیون بشکه رسید.

موفقیت اجلاس اوپک تا حدود زیادی به توافق کشورهای عربستان سعودی و ایران که از عمد هترین تولید کنندگان نفت اوپک هستند، بستگی داشت. دستیابی این دو کشور به توافق توانست اجلاس اوپک را از خطر شکست و عدم تصمیم‌گیری برهاند. مذاکرات تلفنی رفسنجانی با ملک فهد پادشاه عربستان و همچنین گفتگوهای آندو با امیر کویت، راه تفاهم بین وزرای نفت سه کشور را گشود.

آغازاده وزیر نفت ایران در این ارتباط گفت این اولین بار طی چند سال گذشته بود که از راه سیاسی تمام کشورهای عضو اوپک برای رسیدن به توافق و اجرای آن وجود داشت. موقعیت اجلاس اوپک تا غیرت خود را در بارهای جهانی نفت بجا گذاشت. از زمان تدارک اجلاس تا روزهای اخیر بناوسانات معینی بهای نفت به میزان ۱/۲ دلار بالا تر رفته که این امر روزانه ۲۹

## سرکوب و کشتار بنام دموکراسی

نیروی چپ در روسیه و در جهان لطمه زده است. در روسیه هنوز نیرویی که بتواند برنامه بیرون رفت از بحران که نظراً اکثریت مردم را جلب کند، وجود ندارد. بعلاوه مردم روسیه نیز در شرایطی قرار دارند که بتوانند تصمیم عقلایی و منطقی برای بیرون رفت از بحران اتخاذ کنند.

پیروزی یلتسین و کاهش درگیریها به معنی حل بحران سیاسی روسیه نیست. بحران اقتصادی زمینه ساز بحران سیاسی است. کارشناسان اقتصادی غرب بطور مشترک و هماهنگ اقتصاد روسیه را ورشکسته اعلام کرده‌اند. آنها نوشتند که در مسکو شمارش معکوس آغاز شده است و وضع موجود به نقطه انفجار نزدیک شده است. سرمایه‌گذارهای غرب متوقف شده و بانکهای غربی حاضر به تمدید مهلت بازپرداخت بدهی‌های دولت روسیه نیستند. میزان تولید در روسیه مرتباً کاهش می‌یابد، تورم بطور لحام گسیخته رشد میکند. ارزش پول کاسته میشود، فقر بطور وحشتناکی گسترش پیدا کرده و سطح زندگی بشدت افت کرده است. شبکه مافیای اقتصاد کشور چنگ انداخته است. فساد بی‌سابقه‌ای شکل گرفته و جنایات از حد و مرز گذشته است. سیاست‌های یلتسین روسیه را به ورطه سقوط سوق داده است.

یلتسین با وجود تمرکز قدرت در دست خود، کنترل جدی بردستگاه اجرایی کشور ندارد. در نقاط مختلف روسیه، مقامات محلی بدون توجه به خواست و تمایل دولت مرکزی تصمیم می‌گیرند و آنرا به اجرا می‌گذارند. اعضای دولت و بطور کلی دستگاه‌های اداری کشور هماهنگ با هم عمل نمیکنند. حتی وزیران کابینه نه با یکدیگر و نه با نخست‌وزیر هماهنگی ندارند و ساز خود را می‌زنند. تصمیمات بی‌جا و بی‌حساب یلتسین نیز بر این ناهماهنگی‌ها می‌افزاید. بعلاوه یلتسین از حمایت وسیع مردم نیز برخوردار نیست. نظر سنجی‌های اخیر حاکی از آنست که او دیگر از چشم مردم روسیه افتاده است.

پیروزی یلتسین بر مخالفین به هیچ وجه به معنی غلبه بر مشکلات عظیم روسیه نیست. بحران در حال تعمیق است و خواه ناخواه از درون آن بازم تب و تاب‌های سیاسی سر بیرون خواهد کشید. تحولات روسیه هم چون گذشته تاثيرات جدی بر تحولات جهان و از جمله اروپا و آسیا دارد. روسیه قدرتمند دموکراتیک میتواند در مهار یک تازیهای آمریکا مؤثر واقع شود، موضع اروپا را در مقابل آمریکا تقویت کند، روند تحولات دموکراتیک را در آسیا تسریع بخشد و پیوند بین جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی را گسترش دهد. بهمین خاطر تحولات روسیه مورد توجه تمام کشورهای است. آینده نشان خواهد داد که روسیه سرانجام در چه راهی گام خواهد گذاشت.

## پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران

### بمناسبت اولین سالگرد

### ترورد کتر شرفکندی و یارانش

از: شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
به: کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران  
دوستان گرامی کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران با درودهای صمیمانه، بمناسبت اولین سالگرد شهادت کاک دکتر سعید شرفکندی و کاک فتح عبدالله، کاک همایون اردلان و همچنین رفیق نوریده کندی، ما شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) عمیق‌ترین همدردیهای خود را از فقدان این یاران، به شما، به خانواده آنان و به حزب دموکرات کردستان ایران ابراز نموده و شد بدترین انزجار خود را از رژیم تروریستی جمهوری اسلامی می‌علام می‌داریم.

ترورد کتر شرفکندی و یارانش نه تنها نشانه دشمنی جمهوری اسلامی با شخصیت‌ها و مبارزان جنبش آزاد بخواه کشور ما بلکه بیانگر خصومت عمیق آن با حق خود مختاری برای مردم کردستان ایران در چارچوب ایرانی همیسته، آزاد و سعادتمند است. اهداف ترقیخواهانه و برحق که حزب شما پیگیرانه در جهت تحقق آن مبارزه می‌کند.

ترورد کتر شرفکندی در پی ترورد کتر قاسم سلو در شرایطی انجام گرفت که ایشان نیز سیاست و روش را در زمینه تقویت همکاری طیف وسیعی از نیروهای آزاد بخواه کشور پیش گرفته بود. ترورد کتر شرفکندی و یارانش ضایعه بزرگ برای حزب شما و نیز ضایعه ای برای جنبش آزاد بخواه و دموکراسی برای کشور ما بود. ما با اطمینان می‌گوئیم که حزب شما این ضایعه را می‌تواند با پیگیری آرمانها و اهداف شرفکندی و یارانش جبران کند و بر نقشه‌های شوم جمهوری اسلامی غلبه کند.

ما ضمن محکوم کردن مجدد رژیم جمهوری اسلامی، با رد یگیاد کاک دکتر سعید شرفکندی، کاک فتح عبدالله، کاک همایون اردلان و یار رفیق نوریده کندی رازنده ننگ می‌داریم، مراتب اندوه خود را به شما ابراز می‌داریم و همه نیروهای ملی دموکراتیک را به همکاری سیاسی مؤثر در راه آزادی و دموکراسی علیه استبداد حاکم فرامیخوانیم.  
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۷۲/۶/۲۶

## عملیات تروریستی علیه مجاهدین در خاک عراق

### ادامه از صفحه ۱

اقدام به بمباران پایگاههای مجاهدین در داخل خاک عراق کرد. پس از ترور برخی افراد مجاهدین در ترکیه و پاکستان، سازماندهی عملیات تروریستی از طریق اجیر کردن عراقیها در داخل خاک عراق تازه‌ترین نقشه رژیم علیه سازمان مجاهدین است.

رژیم اسلامی نیستند و درازاه دریافت پول به ترور افراد مجاهدین یا حمله به پایگاهها و تدارکات آنها دست می‌زنند. در ماههای گذشته نیز رژیم از طریق حملات هوایی چندین بار

### وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در آلمان

علی فلاحیان وزیر اطلاعات حکومت اسلامی این هفته به آلمان آمد. روزنامه آلمانی "تاگس سابتونگ" با درج این خبر نوشته است که فلاحیان در هفته جاری با مسئولین اطلاعاتی و امنیتی آلمان از جمله "هورست اشویت باوئر" مسئول امنیتی دفتر صدارت عظمای ملاقات و گفتگو خواهد کرد. به نوشته این روزنامه این ملاقات ها در حالی صورت می گیرد که قرار است سه هفته دیگر دادگاه رسیدگی به پرونده قتل دکتر شرفکندی و سه نفر دیگر از همراهان او، که توسط آلمانیان حکومت اسلامی به شهادت رسیدند، تشکیل گردد. بر اساس

### جمهوری اسلامی آماده مذاکره با امارات است

خبرگزاریها از قول "سیف سعد" یکی از مقامهای ارشد وزارت خارجه امارات متحده عربی اعلام کردند که این امیرنشین مایل به مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی بر سر اختلافات دو کشور است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی با استقبال از تمایل امارات اعلام کرد که ایران آماده انجام مذاکره با امارات بدون هرگونه پیش شرط است. یک مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت: ما اعلام می داریم که دعوت از شیخ حمدان بن زاید وزیر مشاور در امور خارجی امارات همچنان بقوت خود باقی است. سفر وزیر خارجه امارات به تهران ماه گذشته بدنبال آخرین اجلاس وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس که در آن از گانه ایرانی در خلیج فارس حمایت شده بود، از جانب خود امارات لغو

### مجلس طرح تشکیل کمیته زنان را رد کرد

طرح تشکیل کمیته زنان که توسط نفیسه فیاض بخش به مجلس برده شده بود، با مرجی از مخالفت در مجلس شورای اسلامی روبرو شد. عباس عباسی نماینده مجلس در مخالفت با این طرح گفت: "اگر قرار باشد کمیته زنان داشته باشیم باید کمیته ای از مردان نیز در برابر آن در مجلس تشکیل دهیم... اگر چنین شود فردا هم صحبت از وزیر امور زنان بمیان خواهد آمد. این نماینده مجلس اسلامی در ادامه سخنان خود گفت: "زنان باید این را بخود بقبولانند که این مردان هستند که فرمان می دهند و آنها فقط فرمانبردارند، دنیا هم باید اینرا

### وزیر خارجه به بغداد می رود

پس از یک دوره تشنج در روابط جمهوری اسلامی و رژیم عراق، در یکی دو هفته گذشته یار دیگر تلاشهایی از سوی دو طرف ظاهراً بمنظور بهبود مناسبات در رژیم صورت گرفته است. این شایعات پس از آن آغاز شد که وزرای خارجه جمهوری اسلامی و عراق در مقر سازمان ملل و در جریان مجمع عمومی سالانه این سازمان با یکدیگر ملاقات کردند. در پی این ملاقات اعلام شد که محمد جواد ظریف معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی بزودی به بغداد خواهد رفت. اما هفته گذشته خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که بجای جواد ظریف، خود ولایتی از بغداد دیدن خواهد کرد. در یکسال گذشته تهران و بغداد بارها یکدیگر را به تجاوز به مرزهای بین المللی متهم کردند. همچنین

### نیروهای انتظامی

انتظامی افزایش خواهد یافت. آنچه را که وزیر کشور مسئولیت خطیر حفظ امنیت عمومی و آرامش و آسایش مردم "نامیده است، فرماندهان نظامی با صراحت بیشتری بیان کرده اند. "سرکوب ضد انقلاب" یکی از وظایفی است که پیوسته مورد تاکید قرار می گیرد. سرتیپ محمد علی جعفری فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران روز ۵ مهر در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی اعلام کرد سپاه پاسداران برای مقابله و ریشه کن کردن "نیروی ضد انقلاب و اشراکات داخلی" آماده است. پیش از او، محسن رضایی فرمانده سپاه، در سفری به آذربایجان تاکید کرده بود، سپاه پاسداران و بسیج در استانهای آذربایجان غربی و کردستان که ۲ استان "نامین" کشور هستند، مبارزه با "ضد انقلاب" و "گروهکها" را با شدت بیشتری دنبال خواهند کرد. محسن رضایی با اشاره به فعالیت "عناصر ضد انقلاب" و ناامنی مرزی گفت: ما نمی توانیم ناامنی مرزی را تحمل کنیم و توطئه هایی که در خارج از مرزها برای ناامن کردن مناطقی از کشور برنامه ریزی میشود را با هوشیاری "سربازان گمنام امام زمان" نقش بر آب خواهیم کرد. وی مدعی شد، "من می توانم بگویم که مساله کردستان تقریباً خاتمه یافته است. معاون سیاسی و امنیتی استان آذربایجان غربی نیز اعلام کرد: مردم آذربایجان غربی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با شراکتی گروهبانان روبرو بوده اند. وی خواستار توجه بیشتر و جلوگیری از تحرکات ایدئولوژیک "اشراکات" شد. مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی نیز بمناسبت هفته "دفاع مقدس" هر کدام به نوبه خود از "حضور بیشتر نیروهای انتظامی در سطح کشور سخن گفتند. رئیس قوه قضائیه

### در حاشیه رویدادها

### کدام "دگرگونی تازه"؟

کیهان لندن در شماره ۴۷۵ (۸ مهرماه) خود در ستون "پیدا و پنهان" مطلبی را زیر تیتر "نوسان آونگ سیاسی پسوی تفاهم؟" در ارتباط با کنگره سوم سازمان ما بجا پ رسانده که اطلاعات مندرج در آن هیچ ارتباطی با واقعتهای پیدا و پنهان کنگره سوم سازمان ندارد. از جمله کیهان لندن نوشته است:

بدنبال دیدار چند ساعته نمایندگان نهضت مقاومت ملی، نمایندگان انجمن دمکرات های ایران نیز با والا حضرت رضا پهلوی دیدار و مذاکره ای باز داشتند و اکنون خبر می رسد که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در آخرین کنگره خود، پس از گفتگوهای طولانی سرانجام اصل مذاکره با طرفداران پادشاهی مشروطه را پذیرفته است. برخی ناظران سیاسی بازگشت فرخ نگهدار را به شورای رهبری سازمان نامبرده، پس از یک دوران مفارقت، از نشانه های جدی این دگرگونی تازه می دانند. در کنگره سوم سازمان همانگونه که در گزارش آن هم آمده است،

### کمیسیون برای آتن بشقابی!

ارومیه قیمت ویدئو بخاطر وفور استفاده از آتن بشقابی در یکسال اخیر بشدت افت کرده. مردم آتن ها را روی بام یا در حیاط و استخر و دیگر جاها نصب می کنند. روزها آنرا استتار و شب ها بکار می اندازند. قیمت آتن قطر کوچک یک تا دو متری طی یکسال اخیر از ۲۵۰ هزار تومان به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. در وزارت کشور کمیسیونی مشغول بررسی موضوع است تا سیاست معینی را برای مقابله با آتن بشقابی به دولت و مقامات انتظامی ارائه دهد.

### محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران : ماتهیدات غرب علیه جمهوری اسلامی راجدی می گیریم

محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در گفتگویی با روزنامه رسالت که بمناسبت هفته جنگ انجام یافته، گفته است: "غرب طرح سلطه طلبانه گسترده ای را در منطقه خاورمیانه دنبال می کند و صلح خاورمیانه نیز چیزی جز اجرای این توطئه گسترده نیست. رضایی در این مصاحبه می گوید: "این یک طرح تاریخی است که مربوط به الان نیست... قدرتهای استعمارگر غرب مدتها برای منطقه خاورمیانه یک طرح سلطه طلبانه ای داشته اند و همیشه مترصد این بوده اند که به محض اینکه فرصت تاریخی بدست بیاورند طرحشان را جامعه عمل ببوشانند. به نظر محسن رضایی، "با شروع جنگ خلیج فارس بهانه بسیار خوبی برای دنیا پیدا شد که کارشان را شروع کنند. شاید هیچ خیانتی به بزرگی این جنگ نبود، سر آغاز شروع توطئه جنگ خلیج فارس بود. محسن رضایی بخش مهم این طرح یا "توطئه گسترده غرب" در منطقه خاورمیانه را متوجه جمهوری اسلامی می داند و می گوید: "بخش جدی این توطئه ایران است... غربیها در حال حاضر در صدد حل مسئله اعراب و اسرائیل هستند. بعد سعی می کنند عده ای را از کشورهای

### روزنامه ها همچنان تحت فشارند

ادامه از صفحه ۱  
طبع، چاپ رنگی و مخارج گران انتشار روزنامه شهرداری راهبانه حملات خود قرار داده اند تا مخالفت آنان کمتر به مخالفت با دگر اندیشی و مخالفت سیاسی تعبیر شود. تاکنون گزارشات متعددی علیه منابع تامین هزینه روزنامه همشهری منتشر شده است. به نوشته کیهان هزینه این روزنامه به ۵۰ تومان برای هر شماره می رسد و بهای تک فروشی آن تنها ۵ تومان است. کیهان نوشته است شهرداری برای انتشار روزانه روزنامه خود ۴ میلیون تومان سوسید میدهد که در ماه بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان میشود. کیهان مدعی است که این بودجه هنگفت را شهردار تهران از "بیت المال" تامین میکند و خرج روزنامه خود می سازد. به پشتوانه همین گزارشها و خبرها، علی مطهری نماینده زرنند کرمان در مجلس شورای اسلامی از وزیر کشور در مورد "اعلام مجوز شرعی و قانونی انتشار روزنامه رنگی همشهری از محل بیت المال توسط شهرداری تهران سؤال کرد. "با ارائه این سؤال به وزیر کشور، فشار به روزنامه مذکور میتوان از جنبه تبلیغاتی خارج شود و به مرحله تازه تری وارد شود. علیرغم پرسش های فراوانی که در مورد منابع تامین هزینه این روزنامه وجود دارد، و همین پرسش ها خود بهترین بهانه را بدست حزب الله داده است، اما از سوی مسئولین "همشهری" تاکنون هیچ گونه پاسخی به این پرسش ها داده نشده است. به نوشته "روزنامه سلام"، حلقه فشارها بر دور این روزنامه نیز تنگ تر می شود. بیش از یک ماه پس از دستگیری عباس عبدی سردبیر این روزنامه هنوز هیچ گونه اطلاع

## مرتضی محمدخان به عنوان وزیر اقتصاد

### معرفی شد

رفسنجانی، مرتضی محمدخان را برای تصدی پست وزارت امور اقتصادی و دارایی به مجلس معرفی کرد. محمدخان که در سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شده است، دارای درجه لیسانس صنایع و فوق لیسانس اقتصاد می باشد. وی تا پیش از این در مسئولیت های معاونت وزارتخانه پست و تلگراف و تلفن، واحد تشکیلات خارج از کشور حزب جمهوری اسلامی، معاونت وزارت کشور در امور پارلمانی، اداری، مالی و سیاسی اجتماعی، قائم مقام وزارت اقتصاد و دارایی و ریاست کل گمرک قرار داشته است. قرار بوده است مجلس در هفته اخیر پیرامون رای اعتماد به وزیر پیشنهادی تصمیم گیری کند.

گفتنی است بهنگام قرائت نامه رئیس جمهور در معرفی آقای محمد خان، عده ای از نمایندگان بطور آشکاره مخالفت با پیشنهاد رئیس جمهور برداشتند. به نوشته روزنامه سلام جناح اکثریت مجلس پیش از معرفی وزیر پیشنهادی، جلسه ای داشته و در این جلسه محسن خاموش به عنوان وزیر اقتصاد انتخاب شده بود و از همین رو معرفی محمدخان در میان برخی از نمایندگان این جناح نیز غیرمترقبه بوده است.

### ۴۲ درصد مردم

### کردستان بیسوادند

بر اساس نتایج آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰ در استان کردستان، از جمعیت ۶ ساله و بیشتر این استان تنها ۵۸/۹۱ درصد باسواد بوده اند. در گروه سنی ۶-۱۴ ساله حدود ۶/۵ درصد کودکان ساکن نقاط شهری و ۱۸ درصد کودکان روستایی کردستان از نعمت نشستن در کلاسهای مدرسه و برخورداری از سواد محروم می باشند. آمار ذکر شده به مراتب از آمار بیسوادی عمومی کل کشور که آن نیز نیمی خود اسف بار است، بالا تر می باشد.

### پخش روزانه ۶ ساعت

### برنامه تلویزیونی

### برای اروپا

معاون سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی اخبار اعلام کرد که این سازمان با اجاره چند ماهواره، سیما بین المللی تشکیل خواهد داد. قرار است روزانه ۶ ساعت برنامه تلویزیونی برای کشورهای اروپایی و آسیایی پخش شود. وی همچنین با اشاره به فعالیت های برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی گفت: اقداماتی برای افزایش برنامه های برون مرزی شبکه سراسری و استانی های مرزی انجام گرفته که بر این اساس برنامه های رادیو از ۱۲ زبان به ۱۸ زبان و نیز مدت برنامه های تلویزیونی از ۵۴۰ ساعت به ۱۰۸۰ ساعت افزایش خواهد یافت.

## از میان رویدادها

### بخشنامه بودجه سال ۷۳ بلاغ شد

بخشنامه بودجه سال ۷۳، همزمان با تهیه و تنظیم برنامه پنجساله دوم از سوی رفسنجانی به دستگاه های اجرایی ابلاغ شد. بر اساس این بخشنامه تمام وزارتخانه ها، موسسات دولتی، بانکها و دیگر نهاد های دولتی مکلفند که بر اساس هدفها و سیاست های کلی دولت در سال ۷۳، بودجه های جاری و عمرانی خویش را تنظیم و بر طبق زمان بندی تعیین شده به سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند.

هدفها و سیاست های کلی دولت در سال ۷۳ چنین تعریف شده است: ایجاد تعادل منطقی بین درآمدها و هزینه های دولت - افزایش سهم مالیات های مستقیم در درآمدهای مالیاتی کشور - استمرار سیاست برنامه اول در جهت حذف تدریجی معافیتهای اعطای شده به بخشها، رشته فعالیتها و موسسات مختلف همراه با اصلاح قیمتها، تخصیص بودجه و بازنگری نظام مالیاتی.

کاهش بودجه جاری - انتقال عملیات اجرایی از طریق حذف بعضی از تشکیلات و ادغام موسسات دولتی - انتقال قسمتی از فعالیت های خدماتی بخش دولتی در زمینه های خدمات اجتماعی به بخش غیردولتی برای ایجاد امکان بهبود کیفیت خدمات دولتی - استمرار سیاست برنامه اول توسعه در امر واگذاری شرکت های دولتی به بخش غیردولتی و زمینه سازی برای واگذاری بعضی از خدمات عمومی قابل واگذاری به شهرداریها

تعیین تعرفه گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان داخلی و

### شرکت هیات ایرانی در اجلاس بانک جهانی

### و صندوق بین المللی پول

اجلاس مشترک سالانه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با حضور نمایندگان اقتصادی و مالی کشورهای جهان در روزهای ۶ و ۷ مهرماه در واشنگتن برگزار شد. از سوی ایران هیاتی با عضویت نوربخش معاون رفسنجانی در امور اقتصادی و هواجی سرپرست وزارت اقتصاد و دارایی و همچنین عادل رییس بانک مرکزی برای شرکت در این اجلاس به واشنگتن اعزام شد.

مهمترین هدف هیئت جمهوری اسلامی، جلب نظر بانک جهانی برای اعطای وامهای بیشتر به ایران بوده است. گفته می شود که بانک جهانی اعطای یک وام به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار به ایران را در دست

### کوری عصاکش کورد گرشود...

روزنامه سلام ۸ مهرماه صفحه ۳: "جمهوری اسلامی ایران به منظور حل مشکل برق سوریه گروهی کارشناس برق به این کشور اعزام می کند. گفتنی است سوریه با کمبود شدید انرژی برق مواجه است و قطع برق در این کشور روزانه به ۸ ساعت می رسد.

روزنامه سلام ۸ مهرماه صفحه ۲: "ساکتین غرب تهران فردا به مدت ۷ ساعت خاموشی برق خواهند داشت"

### ۹ سال زندان برای یکی از هواداران آیت الله منتظری

محمود خیرالهی یکی از طرفداران آیت الله منتظری، به حکم دادگاه ویژه روحانیت به ۹ سال زندان و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد. روزنامه کیهان ۷ مهر که این خبر را منتشر کرده است جرم وی را طرفداری از "باند مهدی هاشمی" اعلام کرده و از قول محمدرضا رشیدی دادستان ویژه روحانیت در اصفهان نوشته است: خیرالهی به مسئولین نظام اهانت و فحاشی می کرده و پس از خلع آقای منتظری از قائم مقام رهبری، اقدام به توزیع

### وزیر کشور شهرداریها را به باد انتقاد گرفت

علی محمد بشارتی وزیر جدید کشور که از زمان تصدی این سمت همواره از اعمال قدرت در برقراری نظم و انضباط سخن می گوید، شهرداریها را به شدت مورد حمله قرار داد. وی خطاب به شهرداریها گفت: از همین امروز به تخریب ساختمانهایی که تخلف دارند و یا داخل طرحهای عمرانی هستند، پایان دهند. وی گفت: از اول باید جلوی تخلف در ساخت ساختمانها را گرفت نه اینکه آنقدر صبر کنید تا وقتی که ساختمان پایان یافت به سراغشان بروید. بشارتی فساد حاکم بر شهرداریها را مورد انتقاد قرار داد و گفت: در شهرداریها ضابطه حاکم نبوده و سلیقه ای عمل میشود. آنها باید با عمل به قانون از سلیقه گری پرهیز کنند. وی با انتقاد از ناراضی ترانی شهرداریها، از آنها خواست که به بهانه عمران و آبادانی شهرها، برای مردم مشکل و دردسر

### مرحله دوم فوتبال انتخابی آسیا این هفته آغاز می شود

مرحله نهایی مسابقات فوتبال آسیا برای حضور نمایندگان این قاره در مسابقات جهانی ۱۹۹۴، جمعه این هفته در قطر آغاز خواهد شد. در این مسابقات که از ۲۳ مهر تا ۶ آبان ماه بطول خواهد انجامید تیم های ملی ایران، ژاپن، کره شمالی، عراق، عربستان سعودی حضور دارند که بصورت دوره ای با هم مسابقه خواهند داد. دو تیم برتر این مسابقات به بازیهای جهانی ۹۴ راه خواهند یافت.

تیم ملی فوتبال کشورمان در نخستین پیکار در برابر کره جنوبی و در آخرین دیدار مقابل عربستان سعودی قرار خواهد گرفت. برنامه بازیهای تیم ایران به قرار زیر است:

۲۴ مهرماه (۱۶ اکتبر) ایران - کره جنوبی

۲۶ مهرماه (۱۸ اکتبر) ایران - ژاپن

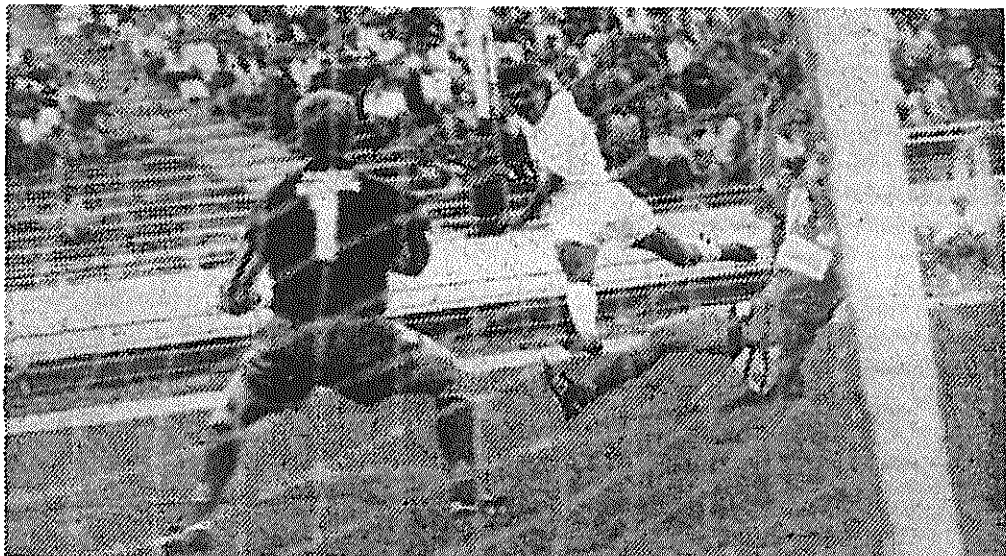
۳۰ مهرماه (۲۲ اکتبر) ایران - عراق

۳ آبان (۲۵ اکتبر) ایران - کره شمالی

۶ آبان (۲۸ اکتبر) ایران - عربستان سعودی

مسابقات تیم ایران بطور مستقیم از اردیبهشت تا خرداد تلویزیون پخش خواهد شد.

مفسران ورزشی تیمهای ژاپن و کره جنوبی را بعنوان اصلی ترین



یکی از پیکارهای تدارکاتی ایران در برابر "سنت و دنامارک که بدون گل مساوی شد

## مناطق از گیلان به زیر آب رفت

هفته گذشته بارندگی و طوفانی شدن دریا صدها واحد مسکونی در مناطق چابکسر، کلاچای رودسر، انزلی و آستارا را دچار آب گرفتگی کرد. همچنین بیشتر راههای ارتباطی روستایی و برخی راههای شهری استان گیلان به زیر آب رفت. بسیاری از رودخانه های منطقه طغیان کرده و تعداد زیادی از مزارع برنج تخریب شده است. بعلا با آمدن سطح آب دریا اغلب خانه های جزایر بهشتی و قلم گوده ۱۵ تا ۲۵ سانتیمتر داخل آب قرار گرفتند و ساکنان این جزیره هاشب را در پشت بام به صبح رساندند. پیش روی آب دریای خزر در سواحل تنکابن ۳ تا ۵ متر بوده که حداقل ۱۵ خانوار را وادار به ترک خانه های خود کرده است. همچنین اکثر محلات ساحلی آستارا نیز به ارتفاع ۴۰ سانتی متر زیر آب رفتند و روال زندگی در این شهر مختل شد.

## اعتراض روستائیان

### به تعطیل

### مدرسه دخترانه

ساکنان روستای اردعه ساوجبلاغ در اعتراض به تعطیلی مدرسه راهنمایی دخترانه این روستا، از فرستادن سایر فرزندانشان به مدرسه خودداری کرده، دبستان این روستا را نیز تعطیل کردند.

مدرسه راهنمایی دخترانه این روستای دوپست خانواری به بهانه زیر حد نصاب بودن دانش آموزان دختر توسط اداره آموزش و پرورش همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید تعطیل شده است.

یک نویسنده سیاهپوست

برنده جایزه ادبی نوبل

۱۹۹۳ شد

زیبا، همچون ترانه



تونی موریسون، نویسنده سیاهپوست آمریکایی برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۹۳ گردید. وی هشتمین زنی است که از سال ۱۹۰۹ تا به امروز مفتخر به دریافت نوبل ادبی گشته است.

خانم موریسون در سال ۱۹۳۱ در یک خانواده کارگری در شهر لوراین واقع در ایالت اوهایو متولد گردید. بعد از اتمام تحصیلات در مراکز متعدد دانشگاهی به کار پرداخت. وی سپس در سال ۱۹۶۸ در موسسه نشر کتاب راندوم در شهر نیویورک آغاز به کار کرد و توانست به نویسندگان جوان سیاهپوست، همچون آنجلا دیویس، تونی کاد و سایرین خدمات ارزنده ای بنماید. خانم موریسون از اوایل دهه ۶۰ آغاز به نویسندگی نمود. وی در جواب این سؤال که چگونه آغاز به نوشتن نموده است، بمزاح گفت:

درواه بر گزاری یکصدمین سالگرد تولد نیما

سال ۱۳۷۶ یعنی ۴ سال دیگر مصادف است با صدمین سالگرد تولد نیما یوشیج، شاعر بزرگ و پدر شعر نو پارسی. برای بزرگداشت این مناسبت از هم اکنون تلاشها و فعالیتهایی در میان هنرمندان و هنر دوستان کشور آغاز شده است. از جمله به پیشنهاد رضا پهلوان نویسنده و شاعر معاصر و پیگیری ماهنامه تکاپو هیئت موسسی برای برپایی "بنیاد نیما" تشکیل شده است که اعضای آن را خانم سیمین دانشورو

انتشار یک مجموعه ارزشمند

انتشارات سحر در تهران دست اندر کار انتشار مجموعه ای است به نام "سند قلم" که ترجمه ۳۰۰ مقاله از "دایره المعارف ادبیات جهان" می باشد. خود دایره المعارف حای ۶۰۰ مقاله است که ۳۴ جلد آن تا کنون منتشر شده است. ۳۰۰ مقاله ای که به فارسی برگردانده می شود، خواننده ایرانی را با ۳۰۰ نویسنده معروف جهان آشنا خواهد کرد. هر کدام از این مقاله ها حجمی در اندازه یک کتاب معمولی دارد و لذا به صورت کتابی جدا گانه منتشر می شود، به این ترتیب ۳۰۰ مقاله یاد شده بتدریج در قالب ۳۰۰ کتاب به بازار عرضه خواهد شد. از این تعداد تا کنون ۱۰ کتاب منتشر شده است که زندگی و آثاره نویسنده نامدار همچون ژرژ لورکاج، ملویل، استندال، فیتن چرالد، لیوت، بل، دیکترو... در آنها مورد بررسی و

فیلم سینمایی "سارا" جایزه صدف طلایی را برد

جشنواره جهانی سان سباستیان که از تاریخ ۲۵ شهریور تا ۳ مهر ماه در اسپانیا برگزار شد، به فیلم سینمایی "سارا" ساخته داریوش مهرجویی دو جایزه اختصاص داد. این فیلم جایزه "صدف طلایی" را به عنوان بهترین فیلم جشنواره و جایزه "صدف نقره ای" را برای بهترین بازیگر زن، خانم نیکی کریمی از آن خود کرد. این فیلم که در یازدهمین جشنواره بین المللی فیلم در تهران برنده جایزه سیمیرغ پلورین بخاطر بهترین فیلمنامه شده بود، در هفته های اخیر با موفقیت در تهران بر روی صحنه رفت.

کتاب

خور خه لوئیس بورخس

این قوم را یک کتاب می دانند. بدینسان ما با پندار نویی پرمی خوریم که همان نمایندگی هر کشور از سوی یک کتاب و با از سوی نویسنده ای است که می تواند صاحب چندین اثر باشد. نکته شگفت انگیزی که شاید تا کنون بی اعتنا مانده، همانا شباهت های اندک هر نویسنده با ملتی است که آن را نمایندگی می کند. برای مثال انسان انتظار دارد که در کتر جانسون نماینده فرهنگ و ادبیات انگلیسی باشد، ولی نه، انگلیسیها شکسپیر برای این کاربرد گزیده اند و چنانکه می دانیم شکسپیر غیر انگلیسی ترین نویسنده انگلستان است. وی برخلاف انگلیسیها که به کم گوئی شهره اند، گرایش شدیدی به استعاره پردازی و خیال پروری دارد که شدت آن را با اوج گیری تصاعدی منحنی هذلولی قیاس توان کرد. در واقع شکسپیر اگر نماینده فرهنگ و ادبیات یهودی و ایتالیایی میبود، کمتر شگفتی پرمی انگلیخت. نمونه دیگر آلمان است، کشوری ستایش انگیز که مردمانش به آسانی به تعصب و عدم مدارا می روند. نماینده ادبی چنین ملتی فردی است مدارا جوئی و انعطاف پذیر همچون گوتی که از تعصب و خیره سری به دور است و برایش مفهوم "ماد وطن" (Vaterland) چندان اهمیتی ندارد.

فرانسویها گر چه نویسنده مشخصی را نماینده فرهنگ و ادبیات خویش نساخته اند، لیکن گرایش عمومی آنها به ویکتور هورگو غیر قابل انکار است. هورگو برای من نویسنده ای ستایش انگیز است، من نه تندبسه و نهاد مردم فرانسه، بلکه همچون بیگانه ای در این کشور می نمایم. وی با ایماها، اشاره ها و استعاره های پر پیچ و تاب خویش کمتری توان نمود و نماینده فرهنگ و ادبیات فرانسه باشد. یک نمونه شگفت انگیزتر اسپانیاست. نماینده ادبی این کشور قاعدتاً باید لوبه کالدرون ویا کوودو باشد؛ ولی نه، این میگوئل سروانتس است که نماینده ادبی اسپانیاست. وی به رغم معاصر بودن با دادگاههای انگیزاسیون، انسانی است آزاده و انعطاف پذیر که نه تقوا و فضیلت اسپانیا بیها دروی دیده می شود و نه عادات بد و کج خوبی آنها. گویی هر ملتی آگاهانه نماینده ای را برای خود برگزیده که با او متفاوت باشد و خنثی کننده و یا پادزهر اشتباهات آن به شمار رود. ما آرژانتینی ها نیز نمی بایست کتاب فاو کوند و نوشته سارمینتو را به نمایندگی ادبی خود انتخاب کنیم. اما ما نیز با تاریخ پر از جنگ و جدال و مالا مال از چچاک شمیشرها، کتاب گاهشمار یک سرباز فراری یعنی مارتین فیرو را نماینده خویش ساخته ایم. این کتاب خوانندگی و پرما به است، لیکن چگونه می توان پذیرفت که نماینده تاریخ ما کسی باشد که در جریان تصرف یک صحرا از خدمت می گریزد. باری، گویی هنر ملتی به طور جدا گانه و مستقل بایستگی گزینشی چنین ناساز و شگفت انگیز را احساس کرده است. در باره کتاب حساب بسیاری از نویسندگان مطالب نغز و پرمایه ای نوشته اند که در اینجا بد نیست به برخی از آنها اشاره شود. نخست باید از مونتینی (فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی م.) یاد کرد که در یکی از نوشتارهای خویش جمله درنگ انگیزی را عنوان می کند: "من هیچ کار فاقد سرور و لذتی را انجام نداده در صفحه ۹

برای کتاب فائل نبوده، گیم که اسکندر مقدونی الیاس (نوشته هومر) را به مثابه یک سلاح همراه با یک شمشیر زیر بالمش خود می نهاده است. در آن دوران گر چه هومر مورد احترام بوده، لیکن برخلاف امروز نویسنده ای دست نایافتنی تلقی نمی شده است. در همین راستا الیاس راودبسه هومرنه آثاری والا و ستایش انگیز، بلکه متن های خوبی شمرده می شدند که از جمله و پر خورده های نفی آمیز نیز در امان نبودند. افلاطون مجاز بود که شاعران را از کشور خود تبعید کند، بی آنکه آتش اتهام رافضی بودن دامش را بگیرد. این شواهد و نشانه های ستیز با کتاب در دوران گذشته را می توانیم با جمله ای از سنکا (Seneca) تکمیل کنیم. وی در یکی از نامه های خود به لوسیلیوس (lucilius) با لحنی انتقاد آمیز از دیدار با مردی سخن می گوید که کتابخانه ای با صد کتاب داشته، و بعد از خود می پرسد که برای خواندن این همه کتاب وقت کجاست. امروز ما با افتخار از کتابخانه های پر کتاب یاد می شود. باری، در دوران باستان چیزی وجود داشته که با احترام امروزین ما برای کتاب دمسازی ندارد و به سختی می توان آن را درک کرد و فهمید. در آن هنگام به کتاب، پیوسته به عنوان جایگزینی برای کلام منقول نگاه می شد. اما ناگاهان در شرح اصطلاح "کتاب مقدس" روح یافت. در اینجا می توان به دو مورد اشاره نمود: نخست از مسلمانان بگیریم که قرآن را مقدم بر آفرینش و زبان عربی و نشانه وصف خداوند می دانند. در واقع آنها قرآن را نه نوشته خدا، بلکه همچون بخشدگی و عدالت یکی از صفات او می دانند. در کتاب مسلمانها به گونه ای رمز آمیز از مادر کتاب سخن می رود که یکی از نسخه های در آسمان نگاشته قرآن است. مثالهای دیگری که کمی به ما نزدیکترند، انجیل و تورات می باشند و باور عمومی بر آن است که این کتابها به وسیله روح مقدس دیکته شده اند. نسبت دادن کتابی به مؤلفان گوناگون و به لحاظ تاریخی نامهمزمان به یک روح بیگانه سخت شگفت انگیزی نمی نماید. ولی در خود انجیل آمده است که روح به هر کجا که بخواهد جولان می کند. یهودیان بر آن شدند که آثار گوناگونی را از دوره های مختلف گرد آورده و از آنها کتاب واحدی بسازند که همان تورات می باشد. همه این کتابها به نویسندگی یگانه و یا به عبارت دقیقتر روح مقدس نسبت داده می شوند.

زمانی از پرنارداش و پرسیدند که آیا او به نگارش انجیل به وسیله روح مقدس باور دارد؛ وی در پاسخ گفت: "هر کتابی که ارزش دویار خواندن را داشته باشد، نوشته روح است." به گفته دیگر کتابی باید از قصد و منظور نویسنده اش فراتر رود. منظور نویسنده یک امر پیش پا افتاده انسانی و احتمالاً اشتباه آمیز تواند بود، لیکن کتاب باید در بردارنده چیزی فراتر از آن باشد. برای مثال دون کیسوت کتابی است فراتر از هجو نگاری در عرصه رمانهای مربوط به اسب سواران...

بوده اند. برای نمونه فیثاغورث را در نظر بگیرید. همه ما می دانیم که وی عمداً چیزی نوشته است تا خود را در بند کلام مکتوب اسپیر و محدود نکند. فیثاغورث بی شک کلامی را که بعدها در انجیل آمده یعنی "حروف می کشند، اما روح زنده می سازد" را حسن و درک می کرده، از این روی هیچگاه دست به قلم نبرده است. بی سبب نیست که ارسطو نه از فیثاغورث، بلکه از فیثاغورثیان سخن می گوید. در واقع کلام فیثاغورث (روح او) نه از رهگذر نوشته ها و مکتوبات، بلکه از طریق شاگردان وی به نسلهای بعد تر و بعد تر انتقال یافته است. فیثاغورث با نوشتن می خواست که اندیشه هایش پس از مرگ در روح شاگردانش به حیات ادامه دهند. از همین جا بود که اصطلاح معروف استاد گفته است "روحی و روحی یافت. این البته به معنای آن نیست که گفته استاد بر اندیشه شاگردانش بند می نهید، بلکه بر عکس به آنها اجازه می دهد که اندیشه اولیه استاد را بیروند و فراتر برند. جسم فیثاغورث فنا شده است، لیکن شاگردان وی همچنان در اندیشه های او به زرف نگری و بازیگری مشغولند، و اگر کسی آنها را به نوآوری متهم کند فوراً به اصطلاح معروف استاد این را گفته است "پناه می برند". نمونه های دیگری هم وجود دارند، برای مثال میتوان از افلاطون سخن به میان آورد که گفت کتابها همچون تصاویر و تندیس هایی هستند که به نظر زنده می نمایند، اما اگر آنجا چیزی پرسی، پاسخی نمی شنوی. بر اثر غلبه بر این گنگی کتابها، افلاطون دیالوگ افلاطونی را ابداع نمود. به گفته دیگر، افلاطون روح افراد بسیاری همچون سقراط و جورجیاس (یا گورگیاس فیلسوف یونانی در قرن پنجم پیش از میلاد. م) را در خود حلول می داد. می توان حدس زد که افلاطون با این خیال که سقراط دوباره زنده خواهد شد، خود را نسبت به مرگ وی تسلی می داده است. او در رویا رویی با هر مسئله ای از خود می پرسید: سقراط در این باره چه می گفت؟ سقراط به رغم سخنوری بی همتایش کوچکترین دست نوشته ای از خود بر جای نگذاشت و تنها از رهگذر همین گونه سوالات بود که جاودان و نامیرا گشت. درباره مسیح می دانیم که او تنها یکبار به هنگام زرددن شن از پیکر خویش واژه هایی را بر نوشت. تا آنجا که می دانیم او چیزی دیگری ننوشته است. بودا نیز استاد سخن آوری بود و از او تنها وعظ و خطابه هایش بجا مانده اند. سپس ما به سده های میانه می رسمیم و جمله معروف در کتاب مقدس آن دوران (انجیل): "کتاب در دست یک انسان نا آگاه خطرناکتر از شمشیر دردست یک بچه است." آری، نیاکان ما درباره کتاب چنین می اندیشیده اند. در شرق هنوز هم اعتقاد بر آن است که کتاب خود نباید چیزی و پدید یده ها را آشکار و بر ملا سازد، بلکه تنها باید انسان را در کشف آنها یاری دهد. به رغم عدم آشنایی با زبان عبری من تا حدودی روایات و کتابهای یهودی را به زبانهای انگلیسی و آلمان خواننده ام. این کتابها در واقع نه برای درک و فهم، بلکه برای تعبیر و تفسیر نوشته شده اند. محتوای آنها می بایست خواننده را تشویق کند که خود اندیشه ها را پوی گیرد. در دوران باستان انسان احترام امروزین را

آنچه که در پی می آید برگردانی است از سخنرانی خورخه لوئیس بورخس که در سال ۱۹۷۸ ایراد کرده است. بورخس (۱۸۹۶-۱۸۹۹) داستان نویس و شاعر نامی آرژانتین، یکی از نویسندگان صاحب سبک در زبان اسپانیایی به شمار می رود. وی گر چه به لحاظ سیاسی کش و قوسهای فراوانی داشته و از رادیکالیسم تا حمایت از دیکتاتورهای آمریکای لاتین نوسان کرده است، لیکن بسیاری از داستانها، اشعار و نوشته های ادبی وی در آمریکای لاتین شاخص و برجسته اند و بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده اند. بورخس در ۳۱ سالگی بینایی خود را از دست داد و در ۸۶ سالگی از سرطان درگذشت.

گرچه بورخس در این سخنرانی کمی به اغراق می گراند و واقعیت و کاهش ارزش و جایگاه کتاب در دوران معاصر و مغلوبیت نسبی آن در برابر رسانه های سرگرم کننده دیگرمچون تلویزیون و کامپیوتر را روندها و نکاتی را مورد اشاره قرار می دهد که کم و بیش در خور توجه اند. از بورخس کتابهای "ویرانه های مدور"، "الف و داستانها دیگر"، "هزار توری بورخس"، "دوزخ"، "سرخ و آبی"، "مرگ و برگار" ... به فارسی ترجمه شده اند.

در میان ابزارهای انسان بی شک کتاب شگفت انگیزترین آنهاست. ابزارهای دیگر همه به گونه ای مدد یار جسم انسانند؛ میکروسکوپ و تلسکوپ چشم را یاری می دهند، تلفن انتقال صدا را ممکن می سازد و خیش و خنجریر قدرت و درازای دست می افزاید. اما کتاب چیزی دیگری است که می توان آن را بسط و گسترش حافظه و تحلیل انسان نامید. در کتاب "سزار و کلوپاترا" نوشته برنارد شاو از کتابخانه اسکندریه بعنوان حافظه انسان یاد می شود. به راستی گذشته ما بعنوان مجموعه ای از رویاها چگونه پاسداری می شود؟ و نیز چه تفاوتی میان یادآوری رویاها و یادآوری گذشته می تواند وجود داشته باشد؟ پاسخ به این سوالها را باید در کارکرد کتاب جستجو کرد. من زمانی قصد داشتم تاریخ کتاب را به نگارش در آورم، البته منظورم تاریخ تحولات ظاهری و فیزیکی کتاب نیست؛ فی الواقع این جنبه کتاب از نظر من چندان اهمیتی برای پژوهش ندارد. مقدم بینین ارزشیابی های متفاوتی بود که کتاب در طول تاریخ به خود دیده است. اشپنگلر (استاد فلسفه تاریخ از آلمان ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۶- مترجم) در کتاب معروف خود یعنی "افول مغرب زمین" نکات جالبی را درباره کتاب یاد آور می شود. من در اینجا ما یلم بزخی از گفته های اشپنگلر را یا تذکراتی از جانب خودم باز گو کنم. نگاه نیاکان ما به کتاب متفاوت از نگاه ستایشگرانه ما بوده است. آنها کتاب را جایگزین کلام شفاهی می دانستند. جمله معروف Manent Verbavolant Scripta "به معنای آن نیست که کلام شفاهی میرا و نا جاودانه است، بلکه بیشتر بر فنا پذیر و ناپویایی کلام مکتوب تاکید دارد. به دیگر سخن کلام منقول را می توان پویا و آسان زدی و یا به گفته افلاطون زیستمند و مقدس دانست. و شگفت آنکه همه آموزگاران بزرگ بشرنه در نوشتن که در سخنوری استاد

# زن در برابر زن

نگاهی به یک مصاحبه یک نماینده زن مجلس

در گفتگویی که خانم فیاض سخن باروزنامه سلام داشته اند، نکات جدیدی مطرح کرده که بهتر آن دیدیم ما هم این مطالب را منعکس کنیم به این امید که رهنمودهای این نماینده محترم مجلس گره های جامعه ایران بتواند بگشاید!

## رفسنجانی:

### آمریکا باید حسن نیت نشان دهد

همزمان با سفر نخست وزیر هندوستان به ایران مجله هندوستان تایمز مصاحبه ای با هاشمی رفسنجانی انجام داد که بخشهایی از آن جالب توجه است. ما گوشه هایی از این مصاحبه را برای اطلاع خوانندگان عزیز درج می کنیم.

خبرنگار: شما درصدد ساخت ایران مدرن هستید. فکر می کنید بین اهداف دو گانه مدرنیزه شدن و اسلامی بودن برخوردی وجود خواهد داشت؟

رفسنجانی: من چون اسلام را خوب می شناسم بین تعلیمات اسلام و مدرنیزه کردن هیچ اختلافی نمی بینم. بلکه این دو کاملاً با هم سازگارند. اما بین آداب و رسوم و سنتهایی که بین بخش اندکی از مردم ویا افکار نادرتستی که به اسم اسلام، افراد نا آگاهی به آن پایبند هستند گاهی تضاد پیدا می شود که در حقیقت این تضاد هم با اسلام است و هم با مدرنیزه کردن. برای پیشبرد کار هم مشکل محسوب می شود ولی بتدریج از طریق آگاه کردن آنان باید بر این مشکل فائق شویم.

خبرنگار: آیا تلاشها برای ایجاد یک ایران مدرن و اسلامی شمارا در مسیر تضاد با غرب قرار داده است؟

رفسنجانی: به هر حال بی تضاد نیست. ولی عمدتاً به دلیل انحصار طلبی های غربی هاست. اگر آنها خوی امپریالیستی خود را کنار بگذارند قابلیت های همکاری همه جانبه بین طرفین وجود دارد. در حقیقت این تضاد از جانب ما نیست، از طرف آنهاست.

خبرنگار: با تمام غرب یافق با ایالات متحده آمریکا مسئله دارید؟

رفسنجانی: علاوه بر این مسائل

خبرگزاری جمهوری اسلامی از وضعیت زندگی پیر مرد ۶۳ ساله باز نشسته یکی از آرگانهای دولتی که در بدر دنبال سر برتاه می دود، خبر می دهد. بقول خبرگزاری فوق پیر مرد کور دارای ۷ سرعت نله بوده و در یک خانه ۵۰ متری زندگی می کند و مدت دو ماه است که صاحب خانه وی را جواب کرده و او هم با توجه به وضعیت مسکن در تهران قادر نیست هیچ الونکی را پیدا کند.

خبر بالا آئینه تمام نمای وضعیت فقر کم درآمد کشورمان و وضع مسکن می باشد. اما نکته جالب و سؤال برانگیزی که در ادامه همین خبر بچشم می خورد چگونگی برخورد دست اندرکاران حکومتی و برنامه ریزان طرح های مسکن و مسئولان مربوطه می باشد. مثلاً به گفته یکی از مسئولان وزرات مسکن و شهرسازی اجازه بها مسکن در تمامی شهرهای کشور افزایش یافته و این پدیده در نوسانات سالانه فصلی همچنان پابرجا و هشدار دهنده است. یکی دیگر از آقایان مشاورین مسکن شمال تهران می گویند: افرادی که توانایی پرداخت ودیعه ۵ میلیون ریال نداشته باشند بندرت می توانند خانه ای در مرکز و شمال تهران اجاره کنند. کارشناسان امور جمعیتی پیش بینی می کنند که تا سال ۱۳۹۰ حدود دوازده میلیون خانواره تعداد خانوارهای کشور اضافه می شود که در این صورت در کشوری حدود ۱۲ میلیون واحد مسکونی جدید نیاز خواهد بود و این در حالی است که ۵۵ درصد از کل خانواده های اجاره نشین در تهران در زیر بنای کمتر از ۵۰ متر مربع زندگی می کنند. یکی از کارشناسان امور جمعیتی، آب باکی روی دست همه می ریزد می گویند: چنانچه در یک دوره سه ساله ۱۴۰۰ - ۱۳۷۰ به ازای هر شهرد و شهرد دیگر هم ساخته شود

اسلامی را گویا با موفقیت گذرانده اند در حقیقت به ماده قانونی اشاره دارد که می گوید اتفاق مردیه زوجه از لوازم ریاست خانواده است. مردی که می خواهد بر خانواده اش ریاست کند لا جرم باید نفقه آنان را نیز پرداخت کند. در غیر این صورت اعمال ریاست ناممکن خواهد بود. وقتی در تمام جهان مبارزه خشکی ناپذیری برای ایجاد کار، بعنوان وسیله ای برای رشد و تعالی انسانها، در جریان است. نماینده مجلس ما عملاً بیکاری را تبلیغ می کند و زنان را به خانه نشینی و پذیرش ریاست مردان نفقه بده فرا می خواند و اجرای تمام عیار قوانین مرد سالاری را بعنوان مترقی ترین قانون طلب می کند. خانم فیاض بخش در مورد طلاق سنگ تمام می گذارد و حتی کلمه ای در مورد دادن حق طلاق به زنان بر زبان نمی راند. چرا که مرنوس بنظر ایشان وظیفه اش روشن است ولی تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق را بعنوان بزرگترین دستاورد مجلس گوشزد می کند و آن اینکه موقوف طلاق خانمها می توانند در قبایل زحمتی که در خانه شوهر کشیده اند و شرعاً ملزم به آن نبودند اجرت المثل دریافت دارند. خانم نماینده مجلس می داند این قانون را خود آقایان پیشنهاد و تصویب کرده اند و اگر همین قانون هم مبنای حل و فصل حسابهای زن و مرد قرار گیرد، چون هیچ زنی مطابق قانون مرفی محسوب مجلس حق قضاوت ندارد، مفاد همان اجرت المثل را هم باز آقایان رقم می زنند.

خانم فیاض بخش در مورد نه جرم فرهنگی غرب و مکانیزم های برخورد صحیح با آن چنین اظهار نظر می کنند: من فکر می کنم ایجاد تشکیلاتی اسلامی زنان در این زمینه نقش مهمی می تواند ایفا کند.

این تشکیلات باید در دل خانمها و در جوامع خانمها نفوذ کند و افکار مرفی اسلامی را در بین خانمها نفوذ دهد... یعنی کارزیر بنای فرهنگی باید بشود... در ابتدا کشور اسلام پرچم دار علم و تمدن و فرهنگ در دنیا بود و امروز انشاله ما دوباره آن پرچم را در کشورمان برافرازیم.

اگر خانم فیاض بخش بواقع می خواهد که کشور ایران پرچمدار علم در دنیا باشد، عقلانی است این

در بهترین شرایط ممکن وضع مسکن بصورت کنونی باقی خواهد ماند. آقایان دست اندر کار و برنامه ریز گویا اصولاً و ظایف خودشان را فراموش کرده اند و اولاً پوزسیون را تمام عیار بازی می کنند و زخم های جامعه را نشان می دهند. از آنها باید پرسید، چه شده است که آقایان بزبان پوزسیون با مردم حرف می زنند؟ اگر آنها این دل را حساب شده بازی می کنند بهتر است بدانند که مردم دیگر فریب این اشک های تمساح را نخواهند خورد و اگر نه از آنها غیر از ناله و زاری و هشدار دادن ها و افکار کاری ساخته نیست حداقل برای یکبار هم شده صادقانه حقایق را با مردم در میان بگذارند و دست از سر مردم بردارند. مردم تکلیف خودشان را خواهند فهمید و تصمیم خواهند گرفت با مشکلات نشان چگونه برخورد کنند. اما تا زمانی که اهرم حکومتی در

سئوال را از خود بکنند. آیا در کشوری که زناش مطابقت قانون از حق تحصیل یکسری علوم محروم می شوند، می توانند از پرچمدار بودن علم صحبتی در میان باشد؟ آیا خانم فیاض بخش گذشته از انشاله و ماشااله گفتن طریحی هم برای برهم زدن آمارهای زیرین در دست دارند؟ مطابق آمار سال ۱۹۸۵ میزان زنان با سواد در سوئیس و آلمان ۱۰۰ درصد و در ایران ۴۲ درصد، تعداد دانشمندان و تکنسین ها در هر هزار نفر (مرد و زن در سال ۱۹۸۷) سوئیس ۲۰۲ - آلمان ۱۳۹ و ایران ۱۲ نفر می باشد. خانم فیاض بخش از عدم استقبال جوانان و خانمهای جوان از جلسات و تشکیلات فرمایشی می نالد. این نشان از الگو قرار گرفتن خانم اوشین (قهرمان زن یک سریال تلویزیونی در ایران) گلابه دارند و علت همه اینها را نه جرم فرهنگی غرب می دانند. خانم فیاض بخش و همکاران. مجلسی اش گویی نمی خواهند بپذیرند که واقعبین بیرونی در ایران و جهان با موعظه و پندارهای فیاض بخش ها آندردرد تضاد است که دیگر برای جوانان قابل پذیرش نمی باشند.

فیاض بخش ها فرهنگ غرب و سکس را یکی می دانند، اما این ساده نگری برای جوانان پذیرفته نیست. جوانان فرهنگ غرب را می خواهند تحلیل کنند و با خوبی ها و بدیهایش آشنا شوند. جوانان کنجگاو و تشنه چیزهای نوازلای کنایها، از طریق راد یوها و از ساربرد زهای دیوارهای دیکتاتور می در می یابند که فرهنگ غرب بعنوان بخشی از دستاوردهای بشری اساساً لازمه بررسی نقد یافته است و باید آن را شناخت تا بتوان جنبه های منفی آن را رد کرد.

برای درک همه جانبه نظریات خانم فیاض بخش در مورد فرهنگ غرب کافی است به نظرات ایشان در مورد مناسبات زن و مرد در جامعه توجه کنیم: خانمها و آقایان بهتر است که جدا از هم به مسائل اجتماعی و مشاغل اجتماعی و فرهنگی خودشان بپردازند و این خیلی خوب و یک ایده آل و پسندیده است. من هرگز این سخن حضرت فاطمه را فراموش نمی کنم که فرمودند بهترین چیز برای بانوان این است که در مردی آنها را دیده باشد و نه آنها مردی را دیده باشند.

دست آقایان است مردم بحق از آنها انتظار دارند تا برنامۀ روشن و مشخصی برای حل مشکلاتشان از طرف حکومت ارائه شود. مردم انتظار دارند که تنها قوانین اولیه سرمایه داری یعنی "عرضه و تقاضا" مبنای تعیین اجاره بها مسکن نباشد. مردم انتظار دارند و بحق هم انتظار دارند که برای مبارزه با رشد روز افزون اجاره بها مسکن ضوابط روشن قانونی تدوین شود. مردم فقط منتظر شنیدن خبر انفجار جمعیت و نوید تیره تر شدن آینده از زبان مقامات نیستند. مردم مشتاق شنیدن خبر صدور بخشنامه های دولت به بانک ها مبنی بر اعلام شرایط متصفانه وامهای بانکی برای تهیه مسکن هستند. مردم اصولاً احتیاجی به حکومتی که در بهترین حالت دل ناظری طرف در چپا و آنرا داشته باشد، ندارند.

نزد همین نماینده بین المللی تهران روز دهم مهر ماه آغاز به کار کرد. آنچه در این نمایشگاه بیش از همه جلب توجه می کرد کاهش چشمگیر حضور شرکت های صنعتی شناخته شده اروپا و ژاپن بود و خبر گزارین آنرا یک نشانه جدی نو میدی شرکای مهم بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی از اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور ارزیابی کردند. با اینکه تعداد کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه از رقم ۵۰ بیشتر است، اما شرکت کشورهای مهم صنعتی شدت کاهش پیدا کرده است. بعنوان نمونه ژاپن که طرف دوم بازرگانی ایران بعد از آلمان است، سال گذشته کالاها بیش از ۴ میلیارد دلار، ۵۰۰ متر مربع عرضه کرده بود اما امسال کالاها را زاپنی تنها ۲۰۰ متر مربع از مساحت نمایشگاه را اشغال کرده بود و هیچیک از ۴۵ شرکت ژاپنی که در نمایشگاه بین المللی پارسال حضور داشتند، امسال شرکت نکردند. آلمان، انگلستان و فرانسه نیز بطور چشمگیری کمتر از سال گذشته نمایندگان اقتصادی خود را به نمایشگاه بین المللی تهران گسیل کردند. وضع نمایشگاه آنچنان را که و

## شورای اقتصاد شاخص های

### اساسی برنامه دوم را تصویب کرد

باشد و نسبت آن در درآمدهای دولت از ۶۶/۳ درصد به ۶۰/۷ درصد برسد.

در بخش هزینه ها هدف آن است که سهم هزینه های عمرانی از ۴۰ درصد در سال ۷۲ به ۴۵ درصد در سال ۷۷ برسد. رشد نقدینگی در نظر است که بطور متوسط ۱۱/۷ درصد در سال رشد داشته باشد و میانگین تورم کشور قرار است بطور متوسط ۱۲ درصد رشد کند و صادرات غیر نفتی بخاطر تثبیت صادرات نفت سالانه ۱۵/۸ درصد افزایش یابد و سهم آن از ۲۶/۸ درصد در سال ۷۲ به ۲۶/۸ درصد کل صادرات برسد.

در بخش اشتغال در نظر است که تعداد شاغلین از ۱۳/۸ میلیون نفر به ۱۶/۳ میلیون نفر در سال ۷۷ افزایش یابد و بخشهای خدمات، صنعت و معدن و ساختمان بیشترین سهم را در تامین اشتغال داشته باشند.

اینطور که از ارقام بر می آید اینبار نیز مانند برنامه اول پنجساله، جمهوری اسلامی اهداف بلند پروازانه ای را در نظر گرفته است. که در صورت اجرا می تواند به موفقیت های اساسی در رشد اقتصادی کشور بیانجامد. اما تنظیم اهداف بلند پروازانه نه کاری است مشکل و نه مشکلی را حل می کند. برنامه ۵ ساله اول را هم با همین اهداف بلند پروازانه تنظیم کردند اما نتوانستند بخش عمده ای از آن را عملی سازند. آنهم در شرایطی که جنگ خانمانسوز ۸ ساله پایان یافته بود و شرایط مناسبی برای استفاده از ظرفیت و توان نیروها جهت توسعه کشور فراهم بود. اینبار نیز امید نمی رود که سران نالایق حکومت که کشور را در عرصه اقتصادی به بحران همه جانبه ای فرو برده اند بتوانند اهداف پیش گفته در برنامه پنجساله دوم را متحقق سازند، زیرا سمت گیریهای اقتصادی رژیم اساساً نه جهت تحقق رشد اقتصاد و خواسته های مردم، بلکه در جهت تامین منافع قشرهای محدودی از تجار، بوروکراتها و روحانیون قرار دارد.

هدف رشد سرمایه گذاری در این پنج سال بطور متوسط ۱۲/۹ درصد در سال تعیین شده است. برای رسیدن به این میزان رشد باید نرخ مالیات افزایش یافته از مصرف کاسته شده و پس انداز شود. رشد مصرف خصوصی قرار است در حد ۶/۲٪ ثابت بماند و سهم مصرف خصوصی از تولید از ۷۰/۲ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۶۷/۳ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۶۳/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۹/۳ درصد در سال ۱۳۷۷ برسد. درآمد نفت طبق این برنامه باید بطور متوسط سالانه ۱۶/۳ درصد رشد داشته

## نمایشگاه بین المللی امسال رونقی نداشت

بی رونق بود که رفسنجانی نیز در سخنان افتتاحی خود نتوانست آنرا لا پوشانی کند و وعده داد "نمایشگاه های بین المللی مادر دو سه سال آینده بهتر خواهد بود."

در نمایشگاه امسال وزرات صنایع سنگین که عمده ترین صنایع کشور را تحت پوشش دارد شرکت ندارد. علاوه بر این برخی از روزنامه های تهران با انتقاد از وضع نمایشگاه امسال نوشتند: از سوی مسئولین برگزاری نمایشگاه تعرفه های بسیار سنگینی برای اجاره غرفه ها و قفسه بندی و تبلیغات و... اعمال شده است و همین باعث شده حضور تولید کنندگان اصلی در نمایشگاه کاهش یابد.

همین روزنامه ها از قول مسئولین برخی غرفه های شرکت های ایرانی نوشتند: در نمایشگاه بین المللی تهران بهترین غرفه را به کشورهای خارجی و بدترین آنها را در اختیار شرکت های تولیدی داخلی قرار داده اند. این مسئولین گفتند که نمایشگاه امسال بیشتر به یک نمایشگاه وارداتی شبیه است تا صادراتی. در زمانی که تولید کنندگان داخلی با مشکلات بسیاری مواجه هستند، به نمایش گذاشتن اتومبیل های بنز آلمانی و کرایه ای هیچ دردی را دوان نمی کند.

نزد همین نماینده بین المللی تهران روز دهم مهر ماه آغاز به کار کرد. آنچه در این نمایشگاه بیش از همه جلب توجه می کرد کاهش چشمگیر حضور شرکت های صنعتی شناخته شده اروپا و ژاپن بود و خبر گزارین آنرا یک نشانه جدی نو میدی شرکای مهم بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی از اوضاع اقتصادی و سیاسی کشور ارزیابی کردند. با اینکه تعداد کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه از رقم ۵۰ بیشتر است، اما شرکت کشورهای مهم صنعتی شدت کاهش پیدا کرده است. بعنوان نمونه ژاپن که طرف دوم بازرگانی ایران بعد از آلمان است، سال گذشته کالاها بیش از ۴ میلیارد دلار، ۵۰۰ متر مربع عرضه کرده بود اما امسال کالاها را زاپنی تنها ۲۰۰ متر مربع از مساحت نمایشگاه را اشغال کرده بود و هیچیک از ۴۵ شرکت ژاپنی که در نمایشگاه بین المللی پارسال حضور داشتند، امسال شرکت نکردند. آلمان، انگلستان و فرانسه نیز بطور چشمگیری کمتر از سال گذشته نمایندگان اقتصادی خود را به نمایشگاه بین المللی تهران گسیل کردند. وضع نمایشگاه آنچنان را که و

# بار دیگر از باورها

## گفتگو و راه‌های درباره اندیشه‌ها و باورهای سیاسی و فرهنگی

یادداشت

گفتگو و آاره‌ای که میخوانید مدتی پیش از این ثبت شد. بی آنکه در آن زمان و نه امروز هدف برای چاپ آن بوده باشد. اما، اکنون که "باید چیزی بگویم و باید چیزی از نفرت انگیزترین نیاز جامعه یعنی سیاست بگویم، جان به طبیعت خویش بازگشته را با قول و فاقه صفای بوی شیدرو جمال رنگ سبزرایی کردم. گاهی نگاه‌های ازدست بگیرد تا این بنده رنجمند کار با زهم قلم را در عرصه‌های قدیم به چرخش در آورد و دیگر باره به قیمت ناخرسندی جان خویش جویای خرسندی جانهای بی‌جا‌هایی از جهان بیجا مانده از تو فان نوح نبی شود. و چنین شد. و برای آنکه کسی از مرز گنده نام‌ها و گند گوهای جایی از جهان سیاست با زها نیا شمش رویه سایه خویش میگوید که برای من کار سیاسی همچون کار در فاضلاب جامعه و جهان است. اگر این کارها شود گنده همه جا را میگیرد. و اگر بدین کار پرداخته شود پردازنده را چنانچه گند و بوی گند فرا نگیرد، گندی بوی آن محیط باری بگونه‌ای از هزارویک گونه همراه خواهد بود. و در این محیط حتی اگر کسی دروغ نگوید دروغ او را خواهد گفت. و برای تماشاگران میتوان نتیجه یکسان باشد چرا که بهر صورت آن کس بی‌دروغ یا بی‌شایعه دروغ بر صحنه حاضر نمیتواند شد. و میدانی که منظور همان دروغ اوستایی است.

و سایه به من میگوید که نخستین گام برای دور شدن از مارش سیاست و نزدیک شدن به ترانه طبیعت برای کسی چون تو برداشتن سانسور سیاست از قلم است، یعنی

تأمین آزادی قلم است برای آنکه آنچه را میخواهد بنویسد و نه آنچه را جبر جامعه و قبیله‌های سیاسی تحمیل میکنند. و تو آیا میدانی که همواره سخت‌ترین سانسورها بر کلام و قلم از "خود" بوده است؟ و این نه تنها در سیاست بلکه در همه آفریده‌های اندیشه بوده است.

و من میگویم که در کلام من دروغی است. نه در دروغ من بلکه در آنچه من راست می‌پندارم دروغی هست. بگذار در شنیدن تو شک باشد. ما میتوانیم بر جاده شک که از خارستان پرشها میگذرد راه حقیقت را به پیمانیم. در جهان سیاست بیش از هر جای دیگر باید شک کرد و پرسید، مقایسه کرد و مقایسه کرد. اگر کسی سود خویش و جامعه و جهان خویش را میخواهد، باید بیطرفانه شک کند و ببرد و مقایسه کند و بر این پایه به آگاهی و طرقداری برسد. در سیاست بررسی و شناخت بیطرفانه در خدمت طرفدارانه در خدمت تداوم گمراهی است.

چیه میگوئی؟ سیاست جانبدار است! آری. جانبدار است، جانبداری آگاهانه و جانبداری نا آگاهانه!

باز هم! آگاهی سیاسی جانبدار است! بیه بخشید! من داشتم مقدمه مینوشتم ولی تو وارد متن شدی.

بفرما بید و وارد متن بشوید، اما فراموش نکنید که در جایی از نوشته پاسخ مراد هید.

✳ ✳ ✳ ✳ ✳

در جامعه پیدا نخواهد شد که دیگر مستمگر و مستمید پدید آید و نیازی به پیکار داد خواهانه کاملاً از میان برود. پس، کسانی چون من صد سال دیگر نیز ناچار خواهند بود عضو همان جنبشی باشند که از هزاران سال پیش آغاز شده است. جنبش داد. این جنبش اما تا کنون هزاران بار کز رفته و شکست خورده، و در آینده نیز شاید به گونه‌ای دیگر کز برود و شکست بخورد. اما نه مرگ حقیقت زندگی را انکار میکند و نه شکست حقیقت هدف را. حتی اگر این شکست به سخت‌ترین و بدترین شکل آن بروز کند، همانگونه که در این سالها بروز کرد. آری، جنبش داد در این سالها سنگین‌ترین شکست را پذیرا شد، اما این شکست بدین معنی نیست که همه چیز به پایان رسیده است.

در درجای خود از باورهای خصوصی‌تری خویش خواهیم گفت. اما در اینجا لازم میدانم در باره جنبش داد بگویم که حتا اگر شکستهای بی‌پای آن در آینده نیز قطعی باشد داد خواهان راه دیگری جز پیمودن راه خویش ندارند. چرا؟ چون جنبش داد واکنشی است در برابر درد. این واکنش ادامه خواهد یافت، حتی اگر به مداوای درمایدی نباشد. من امروز خود نه از سنگ سرخ بلکه از سنگ سبز در راه داد میگویم. سنگ سبز سنگی است که در داد است و قبل از همه برای بقای بشر و زیست میگوید. من یقین ندارم که انسان بتواند از این‌همه زیست بدست خویش جلوگیری کند، با اینهمه انسان نمیتواند از عدم یقین به نویدی و از نویدی به انفعال و تسلیم برسد. بدین گونه، جنبش چند هزار ساله داد، در رنگهای گوناگون و با آماج‌هایی گوناگون ادامه خواهد یافت و همواره نو نو تر خواهد شد. مفهوم نوازید من هرگز جز این نبوده است.

ایرانپور: میدان بحث از آنچه پیش بینی میشد وسیعتر شد و شاید بطور بهتر باشد. من میبوسم، آیا جنبش چند هزار ساله یک واقعیت تاریخی است، یا یک لجاجزی انسانی؟ لجاجزی انسانهای آرمان‌گرایی چون شما که شکست خورده‌اید اما نمیدانید تسلیم شکست شوید، حتا با لجاجزی. آنهم یک لجاجزی ظاهراً حماسی و باطناً تراژیک مثل ادعای جنبش چند هزار ساله. کدام واقعیت‌ها و انگیزه‌های پایدار چند هزار ساله میتواند موجودیت و یا عجیب‌تر از آن وحدت این جنبش چند هزار ساله را ثابت کنند؟

دادور: نخست، شما که خود دست‌اندر کار هستید به من بگویید، کدام واقعیتها باعث شده‌اند که تقریباً تمام روشنفکران ایران چه مشکل‌ و چه نامشکل در این چند ساله اخیراً بگونه پرشور و پر خاشاگر به بحث و جدل درباره شاهنامه هزار ساله، گئوماتی‌د و هزاروپانصد و فریدون و ازدها ک پیش از سه هزار ساله بپردازند و بر سر تفسیر آن داستان کهن به صف آرایی چنان تند و تیز دست بزنند؟ آیانه این است که وجود واقعیتها و انگیزه‌ها پایدار چند هزار ساله که کاربرد امروزی دارند شالوده این بحثها و عامل این لشکر کشی‌های ایدئولوژیک - سیاسی شده‌اند؟ شکل و شیوه ستم و ستم‌ستیزی در راستای تاریخ دگرگون شده است، اما تا آنجا که به جنبش داد و آزادی بر میگرد در ریشه و سرشت آن چندان

تغییری نکرده است. ستم فرد بر فرد (در همه اشکال ساده و پیچیده آن) ستم گروهی (از ستم قبیله بر قبیله تا ستم ملی و نژادی امروزی)، ستم طبقاتی، ستم سیاسی، ستم مذهبی، عقایدی، فرهنگی و ستم جنسی در راستای تاریخ با سرشتی همگون وجود داشته است. در برابر هر یک از این ستمگرها در هر دوره از تاریخ، جنبشهای ستم‌ستیزی پدیدار شده‌اند که دارای انگیزه‌ها و آرمانهای نخستین هم‌ریشه و هم سرشت بوده‌اند. این جنبشها البته در شکل نخستین واصل خودشان نمیکشاند تا بر ستمگرانی چیره شوند که بشکلی از اشکال فوق حق آنها را با پیمال میکردند. در تاریخ بشر، تا آنجا که چشم کار میکند این صف آرایی ادامه دارد. تاریخ بشر تاریخی است شکافته شده با ستم و در این شکاف خون جوشان آدمی جاری است، و در این خون توحشی موج میزند که درنده‌ترین جانوران از نهی شراساند. اگر این دریای خون را میشد پیمانه کرد می‌دیدیم که بیش از نیمی از آن در سه سده اخیر یعنی در دوره تولد و رشد صنعت و تمدن جدید، در دوره "صعود آدمی‌پسوی کمال معنوی" جاری شده است.

بر این پایه است که من می‌گویم جنبش چند هزار ساله داد. چند هزار سال ستمگری و ستم هم‌ریشه و هم سرشت، و در برابر چند هزار سال نبرد هم سرشت و هم سو با این ستم و ستم‌گشی. امروز من جز این نمیتوانم که در این صف آرایی سخت تاریخ، خود را در کنار کسانی ببینم که آگاهانه و یا غرضی برای جامعه تاریخی داد و انسانی‌تر بیکار کرده و میکنند. همین جلا لازم میدانم که روشن کنم که من جنبش‌ها را جدا از جمع کمی افراد تشکیل دهنده آن جنبش‌ها ارزش‌گذاری نمیکنم و بر این باورم که خیر و شر را نمیتوان بین افراد و گروه‌های اجتماعی تقسیم کرد بلکه معمولاً هر انسان آمیزه‌ای از گرایش به خیر و شر است و این دو معتقد که سر بازان جنبش نیز همواره آماده دست بازیدن با بیدار هستند، و از آن جمله انتقام‌جویی و خشنوت‌گرایی و دشمن‌کشی و ویرانگری رانند هر جنبشی که باشد بر شالوده بیداد میدانم. همچنین میتوان گفت که جنبش طبقاتی و عموم بشری فرهنگ‌گستری از جمله یک جنبش عمیقاً داد‌گرانه است.

بر پایه آنچه گفته شد معتقدم جنبش نوین داد باید برای به انجام رساندن آن جنبش کهن و دستیابی به آرمانهای با بر جایی مجموعه جنبش داد بی‌افکنده شود نه بر اینکه بر گور جنبش کهن و آوار آرمانهای نیک و بلند جنبش داد علم بردارد.

ایرانپور: من ابتدا پاسخ خودم را به مسایل مطروحه

از سوی شما میدهم و سپس به طرح مسایل بعدی میپردازم. من میدانم شما از راه اثبات آنچه سرشت و ریشه یگانه جنبش داد میدانید میخواهید به تشریح رابطه جنبش کمونیستی گذشته با آنچه امروز جنبش نوین یا چه دمکراتیک و غیره نامیده میشود برسید و مطمئن هستم که شما بقول خودتان "ناچار هستید از میراث یا از بخشی از میراث گذشته دفاع کنید. اما من میخواهم که طریق رسیدن شما را به این هدف مسدود یا مشکل کنم. پس، برخلاف شما که بر ریشه و سرشت یگانه تا کید دارید من بر شکل و شیوه متضاد آنچه جنبشهای داد نامیده شده و میشود تا کید میکنم و از این طریق بطلان منطق شما را

## تنظیم: امیر ممینی

اثبات میکنم. مثلاً، جنبش مزد کیان یک جنبش سیاسی-مذهبی بود و مزد ک هم خود را پیغمبر میدانست در این جنبش دین و سیاست نه اینکه گره خورده باشند، اصلاً یکی بودند. شما اگر مزد کی می‌بودید ضمن دادن شعار برابری ناچار بودید در برابر حضرت ایشان زانو بزنید و او خدای اختراعی او را برستید و اگر هم این کار را نمیکردید همان بلائی را سرتان می‌آوردند که دشمنان ایشان، طرفداران حضرت زرتشت بر سرتان می‌آوردند. برعکس، کاوه و جنبش او شاه پرست بودند و فریدون هم حضرت شاهنشاه آنها بود. اگر شما دوش به دوش کاوه شعار داد "میدادید، همزمان ناچار بودید طوق سرسپردگی به شاه نژاده راه گردن بگذارید و به عنوان یک رعیت مطیع او امر ایشان باشید. یک وقت هم پیش می‌آید که این جنبش در زیر علم شاه و پیغمبر نباشد و پدیده‌های مثل اسباب تا کوس سوار بر آن اسب سفید معروف شود و برای ورق زدن تاریخ تیغ از نیام بکشد. خوب، میبینیم که جنبش داد "از جمله در شکل شاه پرستانه، دین پرستانه، و خلق پرستانه و با شیوه‌های به غایت آمیخته با خشونت و بیداد به عرضه ظهور رسیده است.

چگونه میتوان بطور نمونه این سه شکل کاملاً متضاد حرکت مردم را به یکسان جنبش داد نامید؟ آیا ادعای شاهی و خدائی کردن و مردم را به کیش شاه پرست و بت پرستی واداشتن ذاتاً بر ضد آنچه داد نامیده میشود نیست؟ من می‌گویم هست. من اگر ناچار بودم به یک جنبش یگانه تاریخی متکی شوم حتماً بر نیروی متکی میشدم که آنرا میتوان نیروی جنبش کارکنان و مدافعان علم و پیشرفت، یا شاید بطور خلاصه جنبش پیشرفت نامید. بنظر من هیچ مرزی در تاریخ به روشنی مرز طرفداران پیشرفت و مخالفان آن نیست. بسیاری از جنبشهای "داد" چه بسا درست بر ضد پیشرفت جامعه عمل کرده‌اند، لذا مرجع و منخرن و مضربوده‌اند. خوشبختانه هر دو تاریخ را آن اندازه خوانده‌ام که از "حافظه تاریخی" مان مدد بگیریم. این چه رازی که درست در اوج اقتدار و بلندی دوران هخامنشیان بردیا خروج میکنند؟ چرا مزدک در اوج شکوفایی دوران ساسانی علم شورش بر میدارد؟ چرا جنبش بابیه در برابر امیر کبیر قرار میگیرد و حزب کمونیست در برابر هر یک از اعمال رضا شاه؟ چرا انقلاب بهمن (نمی‌گویم انقلاب اسلامی که خودم را خلع سلاح کنم)، انقلابی که همه بجز چند تا آتراستایش کرده و بعضاً ستایش میکنند، در سال ۵۷ وقوع یافت؟ سالی که ایران در پیشرفته‌ترین و ثروتمندترین دوران خود پس از دوره شاه عباس بود و بیکاری تقریباً به صفر رسیده بود؟ آیا آنچه که انقلاب بهمن کرد عادلانه بود؟ اگر بود به کدام دلیل، اگر نبود، شما که جنبش مدافع انقلاب بود چگونه مدعی پیروی از جنبش داد میشوید؟ میخواهم کار شمار را خیلی سخت‌تر کنم و ببرسم، آیا اگر حزب‌ها و سازمانهای سیاسی ما بجای عدالت به جنبش پیشرفت متعلق بودند در قبال انقلاب بهمن رویدادهای پس از پیروزی آن به گونه‌ای درست ترو سازنده ترموضع گیری نمی‌کردند؟

ادامه دارد

## اتهامات مجعول و فتوای قتل

خاطرات کیانوری راپعونان سندی محکم و متقن و مستدل جلوه میدهد یا دلسوزی برای کمبود وقت خواننده و کاغذ مجله آدینه از اینکه هفت صفحه تمام و کمال این مجله برای نوشته "حضرت مؤمنی خان حرام شده با عصیانیتی در حد جنون به من میتازد.

کسی که "خاطرات نورالدین کیانوری" و آن مقاله مرا در مجله آدینه خوانده باشد متوجه میشود که من برای هر مطلب خودم به شاهد یا شهودی اشاره کرده‌ام و حال آنکه کیانوری بدون ارائه کمترین دلیل و مدرک و شهادتی انبساطی‌انباشته از دروغ و تهمت تحویل داده است اما نویسنده "کیهان هوائی" که باید مظهر وجدان اسلامی و مروج "اخلاق اسلامی" باشد با پیروی از شیوه "مرضیه" لومین‌های تمام عیار (با عرض معذرت از خواننده) به وارونه کردن کامل شکل مسئله دست می‌زند و بعد هم بقول خودش به این نتیجه "نیمه اخلاقی" میرسد که در تاریخ به روایت باقر... همیشه البینه علمی دیگران و الفحش و الفضح علی باقر خان مؤمنی! واقعاً که جف‌القلب! مثل اینکه بهتر است نوشتن را به پایان برم و در انتظار تحقق احتمالات پیش بینی‌نشده بنشینم.

باقر مؤمنی ۱۳۷۲/۵/۲۶

### ادامه از صفحه ۸

موضع ضد امپریالیستی خود استوار استاد و با ایمان به اینکه کشور ما به یکی از پگاه‌های مهم مقاومت عظیم جهانی در مقابل امریکا تبدیل شده "تنگ کمونیسم امریکائی" را از خود زدود. او پس از بیان این مطالب می‌پرسد چه کسی شهاد واقعی است؟ "خود پاسخ میدهد مؤمنی یک موجود شیاد، توطئه‌گروخائن است، و پشت سر آن یک دورتسبیح دشتام‌های دیگر که قبلاً از آنها یاد شد.

طرفه آنکه این مقایسه، و تجلیل و دفاع جانانه از کیانوری منحصر به نویسنده "با امضاء محفوظ مقاله" سه قسمتی نیست بلکه نویسنده "کیهان هوائی" هم در مقاله‌ای که با عنوان "اندر حکایت تابین خسته انقلابی" (یعنی باقر مؤمنی) نوشته و مرابا خوشمزگی و "طنز انقلابی" از نوع اسلامی مورد نوازش قرار داده به چنین مقایسه‌ای دست زده است. اوضمن ناسزاگویی به دکتر رضا رادمنش بجزیم اینکه من از او بعنوان انسان با شرف و صدیق یاد کرده‌ام - کیانوری را در رصد نشاننده و از کتاب خاطراتش بعنوان سندی که "همه" چه هارابه تک و دو انداخته یاد میکنند. این نویسنده که هفتصد صفحه

# اتهامات مجعول و فتوای قتل

باقر مؤمنی

کرد. من حتی طرح هر گونه سؤالی را هم در این مورد کود کانه میدانم. اما آنچه گفته‌ام و میگویم جدائی مذهب از سیاست و کنار گذاشتن جامعه روحانیت، بعنوان یک دستگاه و نهاد، از دخالت و مشارکت در امور سیاسی است بدون اینکه بتوان یک روحانی را بعنوان یک شهروند، از مداخله و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی بازداشت.

در مورد دوم نیز باید بگویم که من در همان جلسه، و جلسات دیگر هم، اگر سؤالی شده، بر اساس اعتقاداتم اظهار عقیده کرده‌ام که در کشورهای سرمایه داری دموکراسی بمعنای واقعی و بصورت کامل وجود ندارد و از آنجا که این جوامع طبقاتی هستند دموکراسی هم بطور عمده و در اساس بسود طبقه سرمایه دار عمل میکنند. با اینکه باید بگویم که همین دموکراسی موجود در این کشورها و جوامع نتیجه مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش بوده و امکاناتی در جهت بسود بعضی آزادی ها و تاسیسات اجتماعی و سیاسی فراهم آورده که جوامعی مانند کشور ما، که حاکمیت استبدادی سلطنتی یا دینی بر آن حاکم بوده است، از آنها محرومند. بنابراین در مقایسه این دو نوع اجتماعات، در آنچه مربوط به برخی مزایای دموکراسی سیاسی است کشورهای سرمایه داری پیشرفته استعماری و غیر استعماری (۹) بطور نسبی بر جامعه ما امتیاز دارند و همانطور که میدانیم در این کشورها هیچکس به خود اجازه نمیدهد کسی را بخاطر اظهار عقیده های سیاسی یا اجتماعی و یا فلسفی مخالف تکفیر و فتوای قتل او را صادر کند.

نویسندگان مقالات نه تنها با تحریف سخنان من را مورد خطاب آنچنانی قرار داده اند بلکه در مواردی هم مرا سرزنش کرده اند که "چند مسئله را مودبانانه ن گفته گذاشته ام" و راجع به فلان و بیمان مطلب اظهار نظر نکرده ام. طبیعی است که در بحث درباره یک موضوع، آنهم در یک گفتار محدود و نمیتوان زمین و آسمان را بهم دوخت ولی در یک مورد حق با آنهاست و آن اینکه در توضیح روند منظم حوادث فراموش کردم به شرکت اولیه آقای کاشانی در مبارزات ملی شدن نفت و معارضة بعدی او با مصدق و بسود شاه هماهنگ با آیت الله بهبهانی اشاره کنم که اتفاقاً خود نمونه و دلیل برجسته ای بر اثبات این مطلب است که روحانیت حتی در مبارزه علیه خارجی هم بی گریز نیست و سرانجام روحانیت مبارز از سنگر روحانیت مرتجع سردر میاورد.

## و مطلب آخر

نویسنده مقاله سه قسمتی در نوشته خویش در دفاع از مارکسیسم و ماتریالیسم هم ریش جنبانده است باین ترتیب که بکمک لغت نامه "نیک آئین" و حزب توده و درک سوزنرئالیستی از مطالب آن، از موضع مارکسیستی نوع معینی به من هجوم آورده که در گفتارم "انتقاد دیالکتیکی و تحلیل سوسیالیستی" (۱) ارائه ن داده ام. او چنانکه در مجموعه دشنام های بالا آمد باستناد همین لغت نامه مرا کمونیست امریکائی و وارث ماتریالیسم و روشکسته خوانده که در عین حال به اندیشه ماتریالیستی خود هم نا مؤمن هستم.

نویسنده اسلام بنه، که ناگهان کارشناس مارکسیسم لنینیسم و ماتریالیسم دیالکتیکی، و همچنین سوسیالیست رئالیسم، از آب در میاید با اظهار تعجب سؤال میکند که این باقر مؤمنی خود را بیرو کلام ماتریالیسم دیالکتیکی میدانند که نظریاتش با هیچیک از تئوری های مارکس، انگلس، و لنین، و حتی (۱) ما توتسه تونگ نمیخوانند زیرا بقول او بر اساس همه این تئوری ها جمهوری اسلامی ایران تضاد فرعی است و امپریالیسم تضاد اصلی و حال آنکه در گفتار باقر مؤمنی "جمهوری اسلامی ایران" (با سرمایه داری دلالی و بدون شکل خاص طبقاتی؟) (۲) به تضاد اصلی مبدل شده و امپریالیسم به تضاد فرعی!

او، که همه این تئوری ها را بقول معروف "فوت آب" است، بنابه گفته خودش با برخورد تئوریک و آکادمیک (۱)، و باز هم باستناد همان لغت نامه کذائی و به پیروی از سیاست روسیه "انترناسیونالیسم پرولتری را در عصر ما به "انترناسیونالیسم در مناسبات با ملل ستمدیده و جنبش های آزاد بخش" تعمیم میدهد و به من میبازد که چرا بدون توجه به این اصل جدید انترناسیونالیستی "در طول سه ساعت سخنرانی حتی یک بار هم برای مسلمانان بوگوسلاوی و الجزایر و کشتار آنان "همدردی انترناسیونالیستی" نکرده ام!

اما جالب اینجاست که نویسنده مقاله، با ازطرح این ایرادات بيمورد مطلب را به مقایسه دانش و اعتقاد مارکسیستی ماتریالیستی من یا دانش و اعتقاد کیانوری میکشاند و در یک قیاس مع الفارق ستایش از او ناسزاگویی به مرابه اوچ میرساند. او مینویسد کیانوری بر خلاف مؤمنی دارای "استقلال فکری است" و هرگز از موضع ضد امپریالیستی خود اقول (۱) نکرده همیشه بر

ادامه در صفحه ۷

خواهان خوشبختی شان هستم در تماس قرار خواهم گرفت.

اما علاوه بر اینها در روزگار پرهرج و مرج و بحران زده ما که از آن ترین چیز جان انسان است و در هر گوشه ای از کره زمین هزاران نفر مفت و نابهنگام از پا در میافتند آدمی بسن و سال من برآستی باید خیلی احمق باشد که گرانجانی کند و از بیم جان در برابر دشمنان کور خورد و فضیلت دست های خود را بنشانند! تسلیم بالا بردن خویشتن را زنده بگرسازد.

گذشته از همه اینها اگر قرار بود حکومتی با سانورو تبعید و حبس و قتل مخالفان خود باقی بماند هم الان محمدرضا شاه و حکومت فاسدش باید در مملکت مابه حاکمیت خود شان ادامه میدادند؛ در قتل و کشتار هم سخن از کمیت و رقم و عدد نیست که حاکمان کنونی تصور کنند علت سقوط حکومت شاه این بود که او فقط صدها کشته و هزاران زندانی داشت و ما با ده ها هزار کشته و صد ها هزار زندانی خواهیم توانست حاکمیت خود را دوام بخشیم. راستش من همین حالا هم، پیش از اجرای شدت احساس رضایت خاطر میکنم زیرا وقتی دستگاہی با آن عظمت و امکانات و قدر قدرتی از سخنان یک آدم منزوی "در یک اجتماع" سه چهار نفری "چنان دستپاچه میشود که حکم قتل او را صادر میکنند معلوم میشود که این دستگاه زیرپایش چنان سست است که چنین چیزی را برای موجودیت خود خطرناک میشمارد.

## تحریف و بهتان

نویسندگان کیهان هوائی در نوشته های خود سخنان مرا نه تنها بر اساس تربیت و سطح فکر خود درک کرده و در نتیجه در بعضی موارد نا خود آگاه بعضی از نکات آنرا ب معنائی غیر از آنچه مورد نظر بوده فهمیده اند بلکه در اکثر موارد آگاهانه به تحریف گفته های من دست زده و بر اساس تحریفات خود ساخته اتهامات گوناگونی بر من وارد ساخته اند تا فتوای قتل مرا بخیال خود توجیه کرده باشند.

اما پیش از ذکر برخی تحریفات در گفته های من باید به رد این نکته بپردازم که کیهان هوائی در معرفی من مرا از اعضای رده بالای سازمان چریک های فدائی خلق (اقلیت) خوانده است که معلوم نیست گزارش کدام گزارشگر دروغزن "ساواک" یا "واواک" و یا "اطلاعات بیست و پنج میلیونی" سبب این گمراهی روزنامه شده است. من در معرفی نامه ای که در اختیار مسئولین آن جلسه و جلسات دیگر گذاشتم نوشته بودم که در سال ۱۳۳۴ بعنوان یک کمونیست به عضویت حزب توده ایران در آمدم تا اینکه در سال ۱۳۳۵ جزء آخرین اعضای این حزب دستگیر شدم. از آن پس هم با اینکه همیشه با ی بند عقاید دم بوده ام و هنوز هم هستم، نه تنها در رده بالا بلکه علی رغم آن خود ناراضی ها عضو ساده هیچ سازمان سیاسی چه ساخته شده ای هم نبوده ام.

بهر حال، نویسنندگان مقالات با نقل مطالبی در گیومه خواسته اند بگویند حرف های مرا با امانت ضبط و نقل کرده اند. باید با قطعیت تمام بگویم که مطالبی که از قول من نقل شده بطور عمدت دروغ و قسمتی از آن هم تحریف شده است. خواننده خود میتواند با احتیاط خواندن متن گفتار من البته اگر کیهان هوائی آنرا چاپ کند متوجه شود که آنچه ظاهر از متن گفتار من نقل شده تا چه حد صحت دارد! اما در مورد آنچه بظواهر از جواب های من به سؤالات حاضران در روزنامه چاپ شده قسمت اعظم آن دروغ و تحریف شده است و در دوسه مورد هم در نقل حرف های من بی دقتی شده است. مسلم است که در اینجا نمیتوان همه آن دروغ ها و تحریف ها را نشان داد و به آنها پاسخ گفت و مورد هم ندارد (شاید اگر فرصتی دست دهد، و پیش از اجرای فتوای قتل، سؤال و جواب ها را تنظیم و منتشر کنم) ولی ناگزیر در اینجا به هدف و قصد نویسنندگان از این تحریف ها به دو مورد اشاره میکنم:

۱- بسیاری از نقل قولها حکایت از این دارد که من خواسته ام مذهب زدائی بکنم و گفته ام که روحانیت را باید از سر راه برداشت، و باید آنرا از بین برد، و یا ترور روحانیان را جایز دانسته ام و از این قبیل؛

۲- برای دموکراسی غربی و سرمایه داری تبلیغ کرده ام.

در مورد اول باید بگویم بر اساس آموزش که دیده ام معتقد مذهب داروی آرام بخش و بنا نگاه مردم در مانده است و تا وقتی انسان ها در برابر نیروهای قهار و شرور طبیعت و جامعه درمانده اند برای آرامش خود، و حتی گاه به قصد درگیری با این نیروها، به مذهب پناه میبرند و از آنجا که معلوم نیست بشریت تا چه زمان در بند این نیروهاست و از آنها آزار مبینند تا آینده ای نامعلوم نیز مذهب همچنان با وسعت و قدرتی کم و زیاد وجود و کاربرد خواهد داشت. گذشته از آن تا وقتی این بدیده وجود دارد و عمل میکند حاکمان خود را هم، که همان روحانیان هستند، همراه خود دارد.

با این اعتقاد، من هیچگاه نمیتوانم بگویم باید برای از بین بردن مذهب و یا روحانیت در سطح جامعه مبارزه

آقای باقر مؤمنی نویسنده و مترجم سرشناس در نامه ای به هفته نامه "کیهان هوائی" به اتهامات این نشریه علیه خود پاسخ گفته است. رونوشت این نامه برای نشریه "کار" فرستاده شده است. هر چند موضوع این نامه بیشتر به طرح دعواهای شخصی نویسنده با "کیهان هوائی" و پاسخ به اتهامات نشریه فوق مربوط می شود، اما از آنجا که "کیهان هوائی" از درج نامه فوق خودداری کرده است، "کار" آن را منتشر می کند.

فقط در حرف و نه در عمل خود را ماتریالیست میدانند، وارث ماتریالیسم و روشکسته، برای توشه از این حزب به آن حزب می بروند، کسی که روسیاهی خیانت را قبول کرد، کمونیست امریکائی، نا مؤمن به اندیشه ماتریالیستی خود و ناقض آن جهان بینی که به دروغ به آن تظاهر میکند، دروغگو و شارالان، تحریف و دروغگوئی آشکار، جز دروغ حرف دیگری ندارد، تحریف کننده تاریخ و واقعیات، سالوش بازی، سالوسانه، چه حقایق را عمدتاً متذکر نشد و چه دروغ هائی که سر هم نکرد، دروغ پرداز و تحریف در تاریخ و واقعیات، ظاهر فریب و مقلد، دور از مردانگی و شرافتمندی، لومین، "خرفت"، لفظ ارتجاعی برآزنده، مؤمنی است، کسی جز افراد مترقی و میهن پرست بشمار نمی رود، خلاصه شیاد، توطئه گر، خائن، و در یک کلام "لکه ننگ".

ذکر این نکته نیز در پایان این بحث لازم است که نویسنده با امضای محفوظ مقاله سه شماره ای با نثار اینهمه ناسزاها هنوز دلش خنک نشده و در پایان نوشته خویش دیگران را هم به مبارزه مقدس مشابیه علیه من فراخوانده و نوشته است: "امیدوارم کسانی که از ایشان شناخت بهتر و بیشتری دارند با من همصدا شوند و ماهیت این شخص فراری را بیشتر برای مردم میهن دوست و صادق روشن کنند."

## تکفیر و تهدید به مرگ

اما اگر خواننده تصور کند که نویسنندگان کیهان تنها به این ناسزاها اکتفا کرده اند اشتباه میکند، و ایکا ش چنین بود. این نویسنندگان علاوه بر آنچه گفته شد مرابا ناسزاها و اتهامات دینی، مانند "بهائی" و "جیره خوار" "یهودیان و یهپانیان" نیز سرفراز کرده اند. آنها حتی ایراد گرفته اند که چرا من "از کسروی (مقتول دست فدائیان اسلام)، علیرغم آنکه دشمن اسلام بود نقد پرزویادی نکرده ام" و علقش هم بزعم آنان آنست که او "آبرو و حیثیتی برای بها ثانیان باقی نگذاشته بود". گذشته از اینها، وید تر از همه اینکه شخص مزدوری مثل سلمان رشدی را در دهان خود و دوستان حلوا حلوا میکنم!

آنها پس از این اتهامات و تکفیر مرا از "احتمالات پیش بینی نشده" بیم داده و پس از اعطای لقب "هم رزم فریدون فرخزاد" به من، "در دوی بیایان به روان پاک آبت الله خمینی (ره) فرستاده اند" که این لکه های ننگ را از جامعه ما زدود. آنها با تکراری از دروغ های شایخادار بعضی دستگاه های تبلیغاتی هشدار داده اند که ممکن است مؤمنی هم "مثل هم رزم خود فریدون فرخزاد به چنگ تروریست های گروهک و ابسته به مجاهدین بی افتد" و برای اینکه "احتمال پیش بینی شده "زدودن این لکه ننگ" و فتوای قتل مرا هم موجه و چهارمیخ کرده باشند مرا متهم کرده اند که من "ترور روحانیون مترقی را جایز دانسته ام". و باین ترتیب تهدید کرده اند که زبان مرا از قفا در خواهند آورد.

بدون شک تا کید بروی این حکم کلی که حاکمان وقت در هیچ دوره ای از تاریخ و در هیچ منطقه جغرافیایی نتوانستند با قتل و ترور مخالفان از سقوط خویش جلوگیری کنند و یاد آوری اینکه حاکمان کنونی ایران هم از این حکم کلی مستثنی نیستند برای مغزهای متحجره که تا نوک دماغشان را بیشتر نمیتوانند ببینند بی فایده است اما آنچه گفتند در مورد قتل شخصی من بی فایده نیست اینست که این تهدید منطقاً و به چند دلیل نباید مرا بترساند و از گفتن و نوشتن آنچه بنظرم حقیقت است باز دارد:

اول اینکه هر کسی بنبجوری بار آمده و شکل گرفته که از احکام و آثار آن نمیتواند بگریزد و اگر کسی، بخصوص که مثل من با به سن گذاشته باشد، حتی اگر هم بخواهد مشکل بتواند بر خلاف حکم قلب و مغزش عمل کند و باید بگویم تربیت خانوادگی و حزبی و اجتماعی و فرهنگی من، حتی بعضی اوقات علی رغم برخی حسابگری های موضعی، همیشه مرا به گفتن و نوشتن حقایق هدایت و آادار میکند.

دوم اینکه حقیر یکبار در سال ۱۳۳۵ بدست ماموران شاه تیر بازان شده ام و الا آن در دست سی و هفت سال است که مجانی، و بقول معروف قاچاقی زنده ام و از آنجا که از زندگی طلبی ندارم، بلکه باعتباری بد حکار هم هستم، فکر نمیکنم بتوان با تهدید مرگ و فتوای قتل چیزی از من گرفت که نگرانش باشم.

سوم اینکه با احتمال قوی مرگ بفتوای شیخ، با توجه به تجربه سلمان رشدی، بسود اندیشه و مسلکی است که من به آن اعتقاد دارم و از همه چیز هم بزیام و الا تراست و مطمئناً که پس از چنین مرگی، نوشته های امروزیم، که مدت هاست روی دستم مانده اند، خریداران بیشتری خواهند یافت و یا تیراژها بی وسیع منتشر خواهند شد و من از این راه خیلی بیشتر از امروز با کسانی که دوستشان دارم و

جناب مدیر هفته نامه کیهان هوائی در شماره های ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱ و آن نشریه مقاله، سه قسمتی مفصلی از طرف یک "خواننده" همراه با یک مقاله "کوتاه از جانب نویسندگان آن روزنامه چاپ شده بود که آن مقاله مفصل در ارتباط با موضوع سخنرانی اینجانب در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۲ در دلاس امریکا بود و مقاله کوتاه خود روزنامه هم مقداری به شکل و شمایل من در ارتباط با تاریخ معاصر ایران و رفیق کیانوری و بقیه قضا یا مربوط میشد.

قبل از هر چیز باید گفت جای تأسف است که روزنامه ای که بطور عمدت مورد استفاده تحصیلکرده گان ایرانی خارج از کشور و همچنین عده ای از روشنفکران مقیم داخل قرار میگیرد صفحاتی را به نوشته هائی از این دست اختصاص میدهد. بدون شک مباحثه و مبادله اندیشه ها و حتی جدل فکری درباره هر موضوع اجتماعی و فرهنگی در میان داندگان عقاید مختلف و متضاد برای بالا بردن سطح دانش خوانندگان و آموزش نحوه برخورد فکری به آنان سودمند است ولی نوشته های این دست که در این سه شماره "کیهان هوائی" چاپ شده، بخصوص در شرایطی که مطبوعات بسیار سنگین و متین و پرمغز در داخل کشور انتشار می یابند، برآستی چه کمکی به بالا بردن سطح دانش خوانندگان، انهم ایرانیان ساکن خارج کشور، و حفظ ارزش کیهان هوائی، بعنوان یک روزنامه معقول و غیر جنجالی، که ظاهراً مورد نظر اداره کنندگان آنست، میکند.

## فصاح قبیل از جنایت

نخست باید توضیح بدهم که این مقالات، بر حسب بیان و اشارات نویسنده یا نویسندگان آن، درباره مطلبی نوشته شده که من بروایتی در حضور یک عده "چهل نفری" بروایت دیگر در یک کنفرانس که سه چهار نفر بیشتر توی آن نبوده اند اظهار کرده ام. باین ترتیب اولاً برای خوانندگان کیهان هوائی که مجبور شده اند قریب چهار صفحه مطلب درباره گفتاری بخوانند که چند شنونده بیشتر نداشته و گویند "آن فردی "منزوی" است" و مطلقاً نام شناخته شده ای ندارد باید متأسف بود. وثانیاً اکنون که گفتار من از نظر آن روزنامه ای بقتدر اهمیت داشته که در سه شماره و طی چهار مقاله به آن بپردازد منطقی بود که قبلاً به چاپ گفتار یا نوشتار من دست میزد که خواننده این مقالات متوجه باشد که من چه گفته ام و او جواب چه مطلبی را میخواهد و حکایت آن آخوندی نشود که پس از شرکت در قتل یک رهگذر از یکی دیگر از قاتلان میهرسید: "مؤمن، آن ملعون چه گناهی کرده بود؟" "بهر حال برای اینکه فصاح قبیل از جنایتی صورت نگیرد و بعلاوه من ناگزیر به دفاع مفصلی از خود نشوم البته اگر محض عدل کیهان هوائی حق دفاعی برای محکومان خود قائل باشند. عین گفتار را فرستادم که امیدوارم آنرا چاپ کنید؛ و هم با این امید است که من در اینجا تنها به توضیح درباره بعضی نکات جنی میپردازم زیرا بنظر من بسیاری از مطالبی که در این مقالات در مورد متن سخنرانی من آمده خارج از موضوع است و انتقد قابل اعتنا نیست که خاطر خواننده را با جوابگوئی به آنها رنج کند و بعضی مطالب هم مانند اظهار نظر درباره آل احمد و شرعی و مسائل از این دست عقیده و نظر نویسنده و خانم میکی کدی (شاهد نویسنده) است که هر کس میتواند جداگانه درباره آنها به بحث بپردازد.

## ناسزاگویی

ابتدا به لحن مقالات میپردازم و با اظهار تأسف برای مملکت و برای مردمی که ناگزیرند برای خواندن چنین نوشته هائی وقت و پول صرف کنند به نقل ساده ناسزا هائی که در این مقالات آمده است اکتفا میکنم. چنانکه پیدا است این ناسزاها شامل فحش های سیاسی، اخلاقی، فکری و غیره و همچنین اتهامات گوناگون و مکرراست:

دلفک بازی یک هنر پیشه ناشی و مبتدی سیرک، حاجی فیروزی بازی، دن کیشورث، بی شخصیتی و دلفک بازی و بی شرمی از خود نشان داد، عقده ای، جا کرمنش، تابینی که صدا ت سر لشگر و بزرگ ارتشاران را میکشد توی جیبش و راست راه میرود، عجبوبه ای که آن سرش ناپیدا است، گریبنده الفحش و الفضحیت، باقیمانده سیستم فاسد الیگارشی سلطنتی، طرفدار روابط لیبرالی غربی، وابسته به امپریالیسم، در خدمت صهیونیسم، نویسنده و محقق مکتب غربی که جز در خدمت احقاق حق سلطه استعماری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب نبوده، کسی که برای ایرانی وابسته به غرب یاد آیره زنگی پاکوبی میکند و شعارش عبارت است از "یا غرب یا مرگ، ضد انقلاب، ماهیت دروغ آمیز که



## اوضاع اقتصادی ایران از نگاه شرکای آلمانی جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۵

روزنامه آلمانی "زود دوپیچه" تسایونگ "ماه گذشته یک ویژه نامه اقتصادی مربوط به ایران منتشر کرد. این گونه ویژه نامه ها که در ایران با عنوان "رپرتاژ آگهی" چاپ می شوند، در مطبوعات غربی آمیزه ای از تبلیغات و گزارش های کمابیش واقعی اند. شرکت ها و دولت های خارجی برای اینکه در کشور محل چاپ روزنامه، شرکا و طرفهای جدید معامله بیابند، در ویژه نامه های مزبور به معرفی شرایط تجارت و سرمایه گذاری در کشور خود می پردازند و در این راستا، از کمک روزنامه نگاران محلی و نیز نهادهای نظیر اتاق های مشترک بازرگانی کمک می گیرند. این ویژه نامه ها ابزاری معمول در بازاریابی است و اختصاص یک ویژه نامه به ایران نیز در کشوری که طرف معامله اصلی ایران است، امری عادی است. اما نکته ای که در ویژه نامه "زود دوپیچه" جلب توجه می کند، این است که از ورای تبلیغات و مقالات حاروی تشویق سرمایه گذاران آلمانی به معامله با ایران، اوضاع اقتصادی و خیم جمهوری اسلامی با زتاب یافته است. نگاهی به برخی نکته های مندرج در ویژه نامه، این ارزیابی را تأیید می کند.

مقاله اصلی ویژه نامه، به قلم یکی از کارکنان "بنیاد سیاست و دانش آلمان، نگاه به اوضاع ایران را از تشریح انتخایات ریاست جمهوری و نتایج آن آغاز می کند و ضمن اشاره به پائین بودن میزان مشارکت مردم در آن و آرای کم رفسنجانی، می نویسد: "موافقت با مشی بازسازی و گشایش اقتصادی ایران در داخل و خارج از کشور چندان زیاد نیست. دولت ایران، بین ضرورت گسترش و به ویژه موثر کردن اقتصاد با بازار و خواست عدالت اجتماعی یا به عبارت بهتر، برطرف کردن فقر، قرار گرفته است و در عین حال، باید از خارج فشاربدهی های سی میلیار دلاری فعلی را تحمل کند.

این مقاله می افزاید: احمد توکلی کاندیدای "بازاری محافظه کار" توانست ۲۳/۸ درصد آرای انتخابات ریاست جمهوری را به دست آورد، و این در حالی بود که هر سه رقیب رفسنجانی که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته بودند، در تبلیغات انتخاباتی تنها به وعده تغییراتی جزئی در سیاست تعدیل اقتصادی "رفسنجانی اکتفا می کردند. در ادامه مقاله آمده است بر خلاف نامزدهای ریاست جمهوری، اپوزیسیون متمایل به "چپ حکومت، متشکل از رادیکال های اسلامی از یک سو، و "ملی های لیبرال" از سوی دیگر، انگشت بر زخم های اساسی گذاشته اند. این مقاله می افزاید اپوزیسیون نسبت به "فروش کشور به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول" و شکل گیری یک دیکتاتوری به سبک آمریکای جنوبی، هشدار می دهد. به عنوان نمونه، از یک نوشته حبیب الله پیمان در نشریه "ایران فردا" نام برده شده است که پیمان در آن، به تضاد بین نهادهای مذهبی و دنیوی در سیستم سیاسی ایران و نیز به شکاف فزاینده میان فقر و ثروت اشاره

دارد. مقاله زود دوپیچه سپس می نویسد: "متأسفانه در این تصویر تیره، نکات واقعی زیادی وجود دارد. مسئله اصلی ایران عبارت است از انفجار جمعیت در عین کاهش یابد بهترین حالت، ثابت ماندن درآمد نفتی. هنگام انقلاب ۱۳۵۷، درآمد نفت ایران که در آن زمان، در حدود ۳۶ میلیون نفر جمعیت داشت، به حدود ۲۲ میلیارد دلار بالغ می شد. امروز درآمد نفتی ایران تقریباً ۱۵ میلیارد دلار است (دولت ایران امیدوار است به ۱۷ میلیارد دلار برسد)، از ارزش دلار کم شده است، و باید تقریباً ۶۰ میلیارد نفر از طریق واردات مواد غذایی که رقم آن حداقل به یک چهارم این درآمد می رسد، تأمین کرد.

"زود دوپیچه" تسایونگ "ایران را از جمله کشورهای می دانند که دولت های آنها به خاطر وجود منابع مهمی مانند نفت، در مقابل اهالی کشور از استقلال مالی نسبی برخوردارند اما در رابطه با جهان خارج، شدیداً وابسته اند، وی می افزاید این امر باعث شد که حتی در دوره انزوی ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲، ایران به لحاظ اقتصادی از خارج ننگسند. مقاله "زود دوپیچه" می نویسد برای اینکه ایران بتواند از واردات مایحتاج اولیه بکاهد و درآمد نفت را صرف توسعه کشور کند، به سرمایه و دانش خارجی نیازمند است. این مقاله می افزاید از هنگام پایان جنگ ایران و عراق، قوانین ایران به سود تسهیل در سرمایه گذاری های خارجی بسیار تغییر کرده است، و به عنوان نمونه از لغو محدودیت مشارکت های خارجی به استثنای مشارکت در صنایع کلیدی و انحصارات که حداکثر ۴۹ درصد است، نام می برد. ایران به ویژه می خواهد در صنایع سبک و سنگین، پتروشیمی و معادن سرمایه های خارجی را جذب کند. در ادامه مقاله به شکل گیری پنج حوزه آزاد تجاری (قشم، کیش، هرمز، سیرجان و چابهار) اشاره شده و در عین حال تأکید به عمل آمده است که چنین سیاست هایی با مقاومت بازاری سنتی ایران روبروست که از طریق شورای نگهبان، در برابر اجرای این خط مشی موانعی ایجاد می کند. مقاله زود دوپیچه سپس می نویسد:

بدون تردید، مقررات قانونی در برخی موارد نیازمند اصلاح است. اما راه برای سرمایه گذاری های خارجی و همکاری با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، که از ۱۳۷۰ دوباره آغاز شده است، باز است. با این حال باید برای ایجاد یک جو بهتر در سیاست های اقتصادی، حتماً نسبت به تردیدهای ایرانی ها در طی کردن این راه، تفاهم نشان داد. این به هیچ وجه تنها "انتخابات رادیکال" نیستند که نسبت به توصیه های ظاهرالصلاحی که هدف از آنها تنها پر کردن جیب خود است، بسیار حساسند، بلکه این احساس را بسیاری از ایرانی ها که تازه الان از طریق مشکلات بازسازی در می یابند که انقلاب یعنی چه، دارند. زدن چوب حراج به کل ایران در اوایل قرن حاضر میلادی و کودتای مورد حمایت سیا علیه مصدق در سال ۱۳۳۲، تنها دهنه از سوابق تاریخی است که همراه با ادامه محکومیت کلی انقلاب از

سوی رسانه های گروهی غرب، در میان ایرانیان به واهمه زیادی از تحقیر دوباره توسط غرب، دامن می زند. با این حال، به نوشته "زود دوپیچه" شرایط سرمایه گذاری خارجی در ایران از برخی لحاظ از دوره حکومت شاه نیز مساعدتر است. این روزنامه می نویسد در دوره زمامداری شاه، میزان حداکثر مشارکت خارجی ۳۵ درصد بود. نتیجه گیری مقاله "زود دوپیچه" این است که آلمانی ها باید در همکاری اقتصادی با ایران پیش قدم شوند و میدان را به سایر کشورهای اروپایی و نیز آسیایی وانگزارند. این مقاله در پایان می نویسد حتی آمریکا نیز که در آغاز سال جاری سیاست به عقب راندن همزمان "ایران و عراق را اعلام کرد، در سال ۱۹۹۲ بیش از یک میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده است.

در ویژه نامه "زود دوپیچه" تسایونگ، مارک لاندائور رئیس اتاق صنایع و بازرگانی ایران و آلمان در تهران نیز مقاله ای نوشته است. این مقاله، به خصوصی کردن اقتصاد ایران اختصاص دارد. لاندائور می نویسد در قانون اساسی ایران سه بخش اقتصاد دارای حقوق برابرند و از این لحاظ، شباهت هایی با قانون اساسی آلمان وجود دارد. لاندائور سیاست خصوصی کردن دولت ایران را متشکل از گام های کوچک و حساب شده در چهار راستا ارزیابی می کند: بازگرداندن به صاحبان قبلی، فروش سهام به کارکنان، فروش سهام در بورس و نیز فراهم کردن راه سرمایه گذاری های مشترک با خارجیان. در این مقاله آمده است تقریباً هیچ بخش اقتصاد ایران نیست که در آن راه سرمایه گذاری خصوصی بسته باشد و حتی استثناهایی مانند صنایع سنگین، پتروشیمی و استخراج معادن زیر زمینی نیز اکنون مشمول این قاعده اند.

در ادامه مقاله، به فعالیت بورس تهران و نوسانات آن اشاره شده است. سپس آمده است: "نمونه ایران خودرو، مشی گام های حساب شده را به خوبی نشان می دهد: در وهله اول به سهامداران کوچک که پیش از دولتی شدن، مجموعاً نزدیک به ده درصد سرمایه شرکت را در اختیار داشتند، حق خرید سهام جدید به نسبت ۱۰۰ به ۲۴۰ داده می شود. سپس بخش کوچکی از سرمایه شرکت (سخن از ۶۰ تا ۶۰ هزار سهم است) برای خرید عرضه می شود که یک سوم آن با شرایط مساعد تر به خرید از سوی کارکنان اختصاص دارد. بعداً، بخش های دیگری از سهام سرمایه، در بورس عرضه خواهد شد.

مقاله دیگری به قلم هربرت ریدل رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان در هامبورگ، به تشریح تجارب نمایندگانهای بین المللی تهران می پردازد. در این مقاله آمده است پس از رکود مبادلات اقتصادی ایران و آلمان در سال ۱۳۶۸ در پی ماجرای سلمان رشدی، در سال ۱۳۷۱ حجم این مبادلات به بالاترین حد خود یعنی ۹/۰۹ میلیارد مارک رسید که البته، ۸۸ درصد آن مربوط به صادرات آلمان به ایران است. این مقاله می نویسد واردات نفت آلمان از ایران که پیش از انقلاب زیاد بود، اکنون به حد ناچیزی کاهش یافته است.

نمی دهد. مونتنی مطالعه متعهدانه را حرف پوچ و نادستی می داند. او می گوید که هر گاه در کتابی به فصل دشواری برمی خورد، کتاب را به کناری می زند؛ زیرا مطالعه باید دشوار و نفیس گیر. به یاد دارم که چندین سال پیش درباره جوهر و ضرورت وجود نقاشی یک همه پرسیمانجام گرفت. خواهر من در پاسخ گفت که نقاشی هنری است که بوسیله اشکال و رنگها سرور و شادی را اشاعه می دهد. برای من نیز ادبیات گونه ای از شادی و سرور است. اگر خواندن یک اثر بارنچ و دشواری همراه باشد، باید گفت که نویسنده آن شکست خورده است. از همین رومن برآیم که جیمز جویس (نویسنده ایرلندی. م) در اکثر آثار خویش ناموفق است، چرا که خواندن آنها نقس گروتاب ریاست. کتاب نباید خواننده را به رنج و شکنج اندازد، یا به گفته دیگر نیکی بخشی نباید از دشواری و سختی برآید. بزاین پایه میتوان گفت که سخن مونتنی بر بی معنا نیست. منتها باید توجه داشت که از نظر مونتنی هم معنایی کتاب با سعادت تنها در نوعی لذت ابهام آموخته می گردد.

امرسون اما، که نوشته های وی نیز درباره کتاب درخور اعتنا و شایان توجه اند، نظردیگری دارد. به گفته او کتابخانه ها به اتاقکهای سحر آمیزی می مانند که در آنها بهترین اندیشه های انسان قادر به جادوگرند، اما پیش از آن، کلام ما باید آنها را از لایه ای به در آورد. به گفته دیگر ما باید کتابها را بگشاییم تا آنها بیدار شوند. به نظر امرسون می توان کتابخانه ها را با اجتماع بهترین مغزهای انسانی همترانها زد، لیکن ما معمولاً خواندن تفاسیر و انتقادهای مربوط به این مغزها (کتابها) را نسبت به پرس و جواز خود آنها ترجیح می دهیم. من در مدت بیست سالی که پرفسور ادبیات انگلیسی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوینوس آیرس بودم، پیوسته به دانشجویان توصیه می کردم که بجای خواندن کتابنامه ها و نقدها، خود کتابها را بخوانند. شاید از این کار چیز کمتری دستگیر انسان شود، بوینوس آیرس از شنیدن ندای یک نفر (نویسنده) لذت خواهد برد. برای من مهمترین ویژگی یک نویسنده آهنگ گذرآوری و برترین شناسای یک کتاب ندای نویسنده است که از لایه ای آن فراگوش می رسد.

من بعنوان انسانی که بخشی از زندگی خود را صرف ادبیات کرده است، مطالعه را نوعی نیکی بخشی می دانم. نوع دیگری از نیکی بخشی، البته با عباری کمتر، آفرینش شاعرانه و یا به عبارتی در آمیزی فراموش شده ها و یادمانهایی از آنچه که خوانده ایم، می باشد. امرسون و مونتنی در خواندن آثار صرفاً روحبخش و نیز در این باره که کتاب نوعی از نیکی بخشی است همدستانند. ما چیزهای بسیاری را و اما در ادبیات هستیم. من معمولاً بجای جستجو برای یافتن کتاب و یا نوشته ای نو، به دوباره خوانی متن ها و کتابهای می پردازم. در واقع من برآنم که دوباره خوانی یک اثر مهمترین مطالعه اولین باره آن است؛ بگذریم از اینکه نخست باید چیزی را مطالعه کرد تا بعد بتوان دوباره آن را بازخوانی نمود. من هوادار کیش کتاب (کتاب پرستی) هستم. این کلام من شاید ظنی گزافگونه داشته باشد، لیکن شما آن را نه اینچنین، بلکه بمنابه پامی اعتماد بخش بشتوید. من میل دارم که این پیام را نه به جمع شما، بلکه به

یکایک شما برسانم. رفتار من هنوز هم چنان است که گویی دو چشم بینا دارم. من هنوز هم کتاب می خرم و همچنان خانه خویش را از آنها می انبارم، حضور فرهنگنامه ۲۰ جلدی بروک هاوس را که چندی پیش هدیه گرفته ام، در خانه خویش به خوبی حس می کنم و آنها را نوعی نیکی بخشی می بینم، گرچه نه با خط گوتیک آشنایی دارم و نه کارتها و نشانه ها را می توانم بینم. در واقع من در کتاب نوعی نیروی کششی دوستانه احساس می کنم.

این روزها از زوال و محور کتاب سخن گفته می شود، امری که بنظر من محال می نماید، شاید پرسیده شود که چه تفاوتی میان یک کتاب با یک نشریه و یا یک صفحه موسیقی وجود دارد. تفاوت آنجاست که انسان نشریه را می خواند تا به فراموشی اش سپارد، و نیز صفحه موسیقی را می شنود تا آن را از یاد ببرد لیکن کتاب را می خواند تا در حافظه اش جای دهد.

اصطلاح کتاب مقدس که به قرآن، انجیل و یا ودا (کتاب مقدس هندوها) اطلاق می شود، گرم که مربوط به روزگار گذشته باشد، لیکن کتاب هنوز هم از تقدسی گرانمایه برخوردار است. بر ماست که در پاسداری این قداست بکوشیم. با در دست گرفتن کتاب و گشودن آن نوعی تجربه ولذت زیباشناسانه فراهم می آید. بر استنی واژه های درون کتاب، این سمبلها و نهاد های بیجان، چه هستند؟ اگر مجرد بنگریم هیچ چیز کتابی که ما نگشاییم چه ارزشی دارد؟ باز هم هیچ، تنها مکعبی است از چرم و اوراق، لیکن زمانی که آن را بخوانیم چیز نادری رخ می دهد که همان دگرگون شدن در نگاه ماست. هر اکلیت گفت که در یک آب روان نمی توان دیوار شنا کرد، زیرا آبی که بار اول در آن شنا می کنیم، بلافاصله با آب دیگری جایگزین می شود. اما فراتر از آب روان خود ما نیز پیوسته در حال تغییر و تحویلیم. از این روست که یک کتاب را هر بار که می خوانیم، به درک و برداشت متفاوتی از آن می رسیم و رابطه واژه های آن نیز در نظر ما دستخوش تغییر می گردد. علاوه بر آن کتابها با هر بار خواندن به حاملین گذشته تبدیل می شوند.

من بر علیه نقد سخن گفتم و حالا می خواهم بر علیه این سخن خود نیز چند کلام می گویم. هاملت اینک دقیقاً همان هاملتی که شکسپیر در آغاز سده هفدهم طرحش را در افکند، نیست. این کتاب اینک دیگر به کاردیگس، گونه ویرادلی نیز تعلق دارد. به دیگر سخن با نقدهای ایشان هاملت دوباره زاده شده است. این قضیه در مورد دون کیشوت، لوگوش و مارتیس استرادا نیز صادق است. مارتین فین نیز دیگر آن کتاب آغازین نیست. کوتاه سخن آنکه خوانندگان و نقادان کتابها را پیوسته غنی تر کرده اند. انسان با خواندن یک کتاب کهنه گویی که تمامی تاریخ پس از نگارش آن کتاب را مطالعه می کند؛ از اینرو، شایسته است که قداس کتاب را همچنان پاس بداریم. گرم که کتاب پزانکتا ناشناخته و اسرار آمیز باشد و یا ما نظری متفاوت از نویسنده آن داشته باشیم، با اینهمه هنوز هم چیزی مقدس و یا به عبارتی چیزی خدایی را با خود حمل می کند؛ مقدس نه در مفهوم روحانی و متعصانه آن، بلکه بدان معنا که ما در کتاب، یافتن سعادت و دانایی را آرزوی کنیم.

برگردان ح بیهاد

# خبرها و نظرها

## پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایی

نشریه اتحاد کار گزارش آخرین اجلاس کمیته مرکزی این سازمان را منتشر نموده است. در این پلنوم تاریخ برگزاری کنگره این سازمان و مسأله وحدت مابین این سازمان و سازمانهای راه کارگرو شورایی مورد بررسی قرار گرفته است. پلنوم با سخنوبی به سوالات زیر رادردستور قرارداد. سؤال اول آنکه آیا با توجه به موانعی که راه وحدت ایجاد شده است، تلاش در این راه صحیح بوده و باید آنرا ادامه داد و یا همانند اکثریت رهبری سازمان راه کارگر به این نتیجه رسید که وحدت ناممکن است. سؤال دیگر آنکه چه روشی میبایست در قبال شورایی و عناصری که از وحدت دفاع می کنند اتخاذ گردد و همچنین روش این سازمان در رابطه با اقلیت سازمان راه کارگر که از وحدت دفاع می کنند چه باشد و آیا باید از انشعاب در این سازمان و وحدت با اقلیت این سازمان حمایت شود؟ در گزارش آمده است که گام گذاشتن در راه وحدت صحیح بوده و هنوز هم بنظر کمیته مرکزی این سازمان علیرغم وجود اختلافات، سه جریان فوق الذکر می توانند سازمان واحدی را تشکیل دهند و

## اختلاف بین سلطنت طلبان

در پی اوج گیری اختلافات مابین جناحهای مختلف سلطنت طلبان و قدرت گیری گرایش های متفاوت در شاخه های آمریکا و اروپای این جریان، ماه گذشته اجلاس از نمایندگان شاخه های آمریکا و کانادا بدون حضور نمایندگان سازمانهای اروپا برگزار گردید. اخیراً آقای علی یمنی از سوی شاخه های اروپای سازمان مشروطه خواهان به آمریکا سفر کرده و در واشنگتن با آقای خسرو اکمل نماینده شاخه های آمریکا و کانادا ملاقات و گفتگو کرد. در این دیدار طرفین توافق نمودند که اجلاس مشترکی ما بین نمایندگان شاخه های اروپا و آمریکا با شرکت

## حزب دموکراتیک مردم ایران: طرح یک منشور برای چپ

سیاست و مبارزه اجتماعی را هر چه دشوارتر و ناممکن تر سازد. در رابطه با اصول و اهداف سیاسی آمده است که این اصول عبارتند از وحدت در تنوع، حفظ و تعمیق حقوق و آزادیهای فردی، مردم سالاری، دفاع از حقوق اقلیت ها، همبستگی و عدالت اجتماعی، نفی مرد سالاری، نفی خشونت، مهین دوستی و توسعه همه جانبه، صلح طلبی، همبستگی و عدالت جهانی و حفظ محیط زیست.

در این رابطه نوشته شده است که "ما خواهان تأمین بدون قید و شرط حقوق و آزادیهای فردی در تطابق با منشور حقوق بشر سازمان ملل هستیم. تلاش برای تأمین حقوق و آزادیهای فردی از یک سو مبارزه از سیاسی - اجتماعی برای کنترل و محدودیت دولت توسط نهادهای اجتماعی و آزادی سوزی دیگر نیروی فرهنگی را در بر می گیرد. . . . نظام مردم سالار و غیر متمرکز به معنای دموکراتیکه کردن شکل حکومتی و رژیم سیاسی اجتماعی و نه تضعیف و نابودی آن است. دولت مردم سالار قدرتمند است چرا که مشروعیت خود را قبل از هر چیز از نهادهای اجتماعی و نه از جبر دولتی اخذ می کند.

در رابطه با اقلیت های ملی در طرح آمده است "بایندی به حقوق بشر در ارتباط با اقلیت های ملی و مذهبی از جمله تضمین آزادی وجدان و دین، آزادی بیان به زبان مادری، آزادی تشکل و آزادی در حفظ رسوم و سنن خویش را در بر می گیرد. وفاداری به مردم سالاری ایجاد می کند که اقلیت های قومی - ملی در مناطق زیست خود بر اساس آرای محلی ارگانها و مسئولین منطقه ای را تعیین کنند و بر آنها نظارت داشته باشند.

در رابطه با عدالت اجتماعی در طرح آمده است "ما مبارزه برای تحقق و گسترش دموکراسی و تأمین آزادی ها را همواره با تلاش پیگیر و در راستای تأمین و گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق محرومان همراه می سازیم. اولین و ضروری ترین گام در راه عدالت اجتماعی برقراری تأمین اجتماعی بمعنای ایجاد امکان برای بهره برداری همگان از حق داشتن حداقل درآمد، بهداشت، آموزش و دیگر نیازهای اولیه انسانی است. توزیع متناسب ثروت توسط سیاست های مالی - اقتصادی دولت از دیگر ارکان عدالت اجتماعی است.

نشریه راه آزادی در آخرین شماره خود طرحی را با عنوان "طرح یک منشور برای چپ" منتشر نمود. در توضیح این طرح گفته شده است که این طرح در کنگره این سازمان ارائه شده بود و انتشار آن در چارچوب بحث آزاد پیرامون هویت چپ و دیدگاههای نظری و فلسفه سیاسی اجتماعی آن با هدف پی ریزی یک منشور عمومی برای چنین نیروهایی صورت می گیرد.

رئوس مسائلی که در این طرح آمده اند عبارتند از: "انگیزه، راهنما و هدف حزب دموکراتیک مردم ایران آزادی انسان و گسترش حاکمیت وی بر سرنوشت خویش و رفاه و پیشرفت مادی و معنوی او در تفاهم و صلح با جامعه و طبیعت است. در رابطه با انسان آمده است که ما با قربانی کردن یکی از وجوه انسانی بنام وجوه دیگر و یا به هر نام دیگری به مخالفت بر می خیزیم و بر فردیت انسان تاکید داریم. در رابطه با انسان گرایی آمده است که ما برای پاسداری از مقام و حرمت انسان خواهان جامعه ای هستیم که در آن به شخصیت یگانه و با ارزش هر انسان احترام گذارده شود و از هر گونه تبعیض میان انسانها جلوگیری گردد، هر فردی از حداقل شرایط زندگی برخوردار بوده، از سد محدود کردن اندیشه و تخیل انسانها جلوگیری شود. افراد در تعیین سرنوشت اجتماع خویش سهم باشند. زن و مرد از امکانات و حقوق برابر برخوردار باشند، اختلافات و تضاد میان گروههای اجتماعی از راه مذاکره و توافق حل گردیده و اصول مندرج در منشور جهانی حقوق بشر جوهر و زیر بنای قانون اساسی باشد.

در ادامه طرح آمده است که تضمین و تأمین همزمان منافع اجتماعی و حقوق و آزادیهای فردی و قربانی نکردن یکی بنام دیگری پیچیده ترین، حساس ترین و در عین حال مهمترین وظیفه است. اداره جامعه باید بگونه ای باشد که نیاز به دخالت دولت را به حداقل برساند. اصل در اداره جامعه باید بر واگذاری اختیارات به نهادهای اجتماعی و نهادهای سیاسی محلی تا حد ممکن و به عهده گیری وظایف از طرف دولت تنها در حد ضرورت باشد.

در ادامه طرح نوشته شده است هرگز نمی توان از راه های غیر انسانی به اهداف انسانی دست یافت و از این رو چه در درون حزب خویش و چه در اجتماع در راستای استقرار چنان ساختارهایی تلاش می کنیم که شیوه های غیر انسانی و نامردمی

## ژرژ مارش از رهبری حزب کمونیست فرانسه کناره می رود

ژرژ مارش دبیر کل حزب کمونیست فرانسه اعلام کرد در کنگره حزب که در ماه ژانویه ۱۹۹۴ برگزار خواهد شد، دیگر کاندیدا توری برای مقام دبیر کل حزب را نخواهد پذیرفت. مارش در سال ۱۹۷۲ به جای والد ک روشه رهبر پیشین حزب کمونیست که به علت بیماری از مقام خود کناره گرفت، به دبیر کلی برگزیده شد. آغاز دوره مسئولیت مارش، مصادف با شرایط پیچیده پس از ورود نیروهای پیمان ورشو به چکسلواکی بود که به کمونیست های فرانسه مانند کمونیست های سایر کشورهای اروپای غربی لطماتی وارد کرد. مارش نه تنها توانست وحدت حزب کمونیست را حفظ کند، بلکه همچنین فعالیت های موفقیت آمیزی در دستیابی به برنامه مشترک با حزب سوسیالیست جدید التاسیس فرانسه به رهبری فرانسوا میتران داشت. وقتی سوسیالیستها در سال ۱۹۸۷ به مواضع راست در غلطیدند، حزب کمونیست به رهبری مارش به اتحاد با حزب سوسیالیست پایان داد اما پس از آنکه نیروهای چپ در سال ۱۹۸۱ در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شدند، کمونیست ها در ائتلاف با سوسیالیست ها دولت جدید را تشکیل دادند. این بار نیز اتحاد دویتریو چپ، سه سال بیشتر دوام نیاورد و در سال ۱۹۸۴، کمونیستها به صفوف اپوزیسیون باز گذاشت.

## دهها هزار نفر در زلزله ... ادامه از صفحه ۱

منجر می شوند، زلزله هایی مانند زمین لرزه اخیر هند، دارای مراکز در سطح زمین اند و به فاجعه های بزرگتری می انجامند. آنچه بر ابعاد فاجعه افزوده است، تراکم جمعیت در منطقه غرب هند و استان و ساختمان ابتدایی منازل روستایی است. در روستاهای ویران شده، دیوارها گلی و سقف ها متشکل از تخته سنگ های متعددند. زلزله سطحی، دیوارها را متلاشی کرد و سنگ ها بر سر مردمی که زیر سقف خوابیده بودند، فرود آمد. زلزله هند، تا حدودی تحت الشعاع رویدادهای سیاسی هفته های اخیر جهان قرار گرفته است. به نظر می رسد واکنش جهان در قیاس با ابعاد فاجعه ای که سی هزار نفر را کشته و صدها هزار تن را بی خانمان کرده است، با نوعی بی تفاوتی همراه است. این بی تفاوتی را به ویژه در نحوه گزارشدهی رسانه های غربی می توان دید که اگر چه اخبار مربوط به زلزله را بخش می کنند، اما به آن به هیچ وجه اهمیتی درخور فاجعه ای بدین گستردگی نمی دهند.

کمک های مالی خارجی شد. در روزهای پس از زمین لرزه، باران شدید مناطق شبه حاره، جستجوی قربانیان زلزله را با دشواری جدی مواجه کرد. به علت خطر شیوع بیماری های واگیردار، ارتش هند بخش مهمی از عملیات خود را بر رساندن مواد سوختی و هیزم برای سوزاندن اجساد مطابق سنن هند و متمرکز کرده است. با این حال، بسیاری از اجساد که از زیر آوار بیرون آورده شده اند، در منطقه پراکنده اند و احتمال شیوع بیماری های عفونی زیاد است. غرب هند منطقه زلزله خیزی محسوب نمی شود. معمولاً شمال هندوستان است که می لرزد. در پای رشته کوه هیمالا یا، در امتداد یک گسل اصلی پوسته زمین، زمین لرزه های متعددی روی داده است. اما زلزله در غرب هند، به علت تنش های افقی در خود فلات هند است. زمین لرزه های افقی بسیار مخرب اند. در حالی که زلزله های عمیق، مرکزی در ژرفای صدالی هفتصد کیلومتری زمین دارند و از این رو، به تلفات و خسارات کمتری

## با اشتراك «كار» ما را در پيشبرد وظيفمان يارى رسانيد

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه كار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه كار ارسال نمایند</p> <p>مایلیم نشریه كار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p> <p>بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است</p> <p>آدرس: _____                  (لطفاً خوانا بنویسید) Name: _____                  Address: _____</p>		<p>بهای اشتراك نشریه كار</p> <table border="1"> <tr> <td>یکساله</td> <td>شش ماهه</td> </tr> <tr> <td>۹۰ مارک</td> <td>۴۵ مارک</td> </tr> <tr> <td>۱۰۴ مارک</td> <td>۵۲ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در كار درج می شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	یکساله	شش ماهه	۹۰ مارک	۴۵ مارک	۱۰۴ مارک	۵۲ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD                  NR_35263011                  37050198                  Stadtsparkasse Köln                  GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh                  Postfach 1810                  52020 Aachen                  Germany</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
یکساله	شش ماهه								
۹۰ مارک	۴۵ مارک								
۱۰۴ مارک	۵۲ مارک								

## کشتار و انتقام جویی در سوماتی

خشونت و کشتار در سوماتی بالا میگیرد. سربازان سازمان ملل متحد که به نام نجات مردم سوماتی از قحطی و گرسنگی پای در این سرزمین گذاشتند، اینک به جنگ با مردم این کشور کشیده شده اند. خانم رقیه عمر حقوقدان و نماینده سازمان «حقوق آفریقای ها» در لندن در مصاحبه ای با اسپیکل، هفته نامه مشهور آلمانی زبان، گوشه هایی از اقدامات سازمان ملل در سوماتی را بر شمرده است:

اسپیکل: بیشتر سوماتیایی ها سربازان سازمان ملل متحد را دیگر نه بعنوان نیروهای کمک کننده بلکه بیشتر به چشم نیروهای اشغالگر می نگرند. آیا آنها بحق نیروهای سازمان ملل را به شکنجه و قتل متهم می کنند؟

خانم عمر: بلی روحیه ها عوض شده اند، زیرا هلی کوپترهای سازمان ملل بدون ملاحظه مردم غیر نظامی مناطق را به موشک می بندند. سربازان سازمان ملل بلافاصله افراد مظنون را زیر آتش می گیرند و به سوماتیاییها بدون ملاحظه توهین می کنند و یا آنها را کتک می زنند. ما طی دو گزارش جداگانه موارد عده نقض حقوق بشر را گزارش کرده ایم.

اسپیکل: چطور شد که کار به اینجا کشید؟

خانم عمر: به نیروهای سازمان ملل چنین اقله شده که هر سوماتیایی یک دشمن بالقوه است. این مسئله یک احساس من و تویی ایجاد کرده است. نیت غالب واحدهای سازمان ملل دیگر خدومات انسانی نیست بلکه تلاش در این راه است که از قربانی بیشتر ممانعت بعمل آورند.

اسپیکل: یعنی به عبارت روشن تر بهتر آنست که یک عده سوماتیایی کشته شوند تا یک سرباز سازمان ملل.

خانم عمر: طبعاً قابل درک است که سیاستمداران درواشنگتن، بروکسل و بن آرزوی بازگشت تابوت ها از سوماتی را ندارند. اما نیروهای این کشورها در قبال سوماتیاییها بشدت دشمنانه رفتار می کنند حتی اگر هیچ موردی هم برای اینکارشان نباشد.

اسپیکل: شاید نیروهای سازمان ملل خیلی کم سوماتیاییها را می شناسند؟

خانم عمر: نیروهای سازمان ملل ارتباط خیلی کمی با سوماتیاییها دارند. برای نمونه وقتی یکی از همکاران ما برای یکی از فرماندهان

هفته گذشته برای نخستین بار پس از امضای قرارداد خودمختاری غزه - اریحا بین یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزاد بخش فلسطین (ساف) و اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل، این دودر قاهره و با حضور حسنی مبارک رئیس جمهور مصر با یکدیگر ملاقات کردند تا درباره چگونگی اجرای قرار داد واشنگتن، گفتگو کنند. از جمله موضوعات مذاکره میان عرفات و رابین، تعیین هیات های نمایندگی

بلژیکی در مورد فعالیت یک گروه از زنان توضیحاتی می داد. افسر سازمان ملل گفته بود که «من فکر می کردم که آنها یک فاحشه خانه راه انداخته اند. کسی که اینطور فکر می کند چگونه میتواند به کشوری خدمت کند که مطلقاً هیچ چیزی از روحیات ساکنان آن نمی داند.

اسپیکل: آیا نمی توان از دست نیروهای سازمان ملل بجای شکایت کرد؟

خانم عمر: در موگادیشویک دفتر آمریکایی برای رسیدگی به شکایات هست که عده قلیلی از وجود آن خبر دارند و مردم از مراجعه به آن همراس دارند.

اسپیکل: نیروهای آلمان در منطقه ای که برایشان تعیین شده چکار باید بکنند؟

خانم عمر: آنها باید در درجه اول عادات و روحیات اهالی آن منطقه را بشناسند و بتوانند با آنها روابط خوب و صمیمانه ایجاد کنند. برقراری روابط دوستانه یعنی یافتن راه دستیابی به امنیت. سوماتی در حال حاضر کشوری پراز خشونت است.

اسپیکل: مقامات سازمان ملل در راس آنها آمریکاییها معتقدند که اگر ژنرال عیدید دستگیر شود صلح به سوماتی باز خواهد گشت.

خانم عمر: خنده آور است. عیدید با اینکه در واقع یک جانی جنگی است اما نیروهای سازمان ملل و آمریکاییها کاری کردند که سوماتیاییها پشت سر وی جمع شوند در صورتیکه تادیور و ژان اومتنفر بودند. نیروهای سازمان ملل خود را در وضعیتی قرار دادند که دیگر نمی توانند بدون سرشکستگی یا ژنرال عیدید سربک میز بنشینند. اما این کار باید انجام شود. زیرا در غیر اینصورت سیاست انتقام کثی بازم تقویت می شود و امروز سربازان عیدید سربازان سازمان ملل را می کشند و فردا آنها می خواهند انتقام بگیرند.

## گر جستان هم به جامعه کشورهای

### مشترک المنافع می پیوند

دوآورد شواردر ناده، رئیس شورای دولتی گر جستان پس از دیدار با روسای جمهور دو کشور دیگر قفقاز، تمایل خود را مبنی بر پیوستن به جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع اعلام کرد. به نظر می رسد این تصمیم شواردر ناده با توجه به شرایط سختی که این کشور در آن به سر می برد، اتخاذ شده باشد.

گر جستان در وضعیتی بسیار بحرانی قرار دارد. بیش از یک سال از آغاز جنگ جدائی طلبان آبخازستان علیه تفلیس می گذرد. در این میان بر اساس گزارش خبرگزاریها شورشیان آبخاز تقریباً تمامی بخش های این جمهوری خودمختار سابق واقع در غرب گر جستان را به تصرف در آورده اند. نقطه عطف این جنگ تسخیر سوخومی بود. با این پیروزی راه جدائی طلبان آبخاز در بدست آوردن کنترل تمامی این پهنه گشوده شد. دهها هزار گرجی خانه و کاشانه خود را از دست داده و آواره گره و دشت ویابان شده اند. این اما تنها جبهه ای نیست که شواردر ناده را

به مبارزه می طلبد. از سوی دیگر نیروهای نظامی طرفدار گامزآوردیا، رئیس جمهور سابق گر جستان دست به اقدامات مسلحانه علیه دولت مرکزی زده اند. گامزآوردیا که بر اساس پاره ای از گزارشات به گر جستان باز گشته است، قصد در دست گرفتن مجدد قدرت در تفلیس را دارد. نیروهای طرفداری از جمله در تفلیس دست به اقدامات مسلحانه ای زدند که منجر به اعلام وضعیت فوق العاده و حکومت نظامی در تفلیس شد. در پی این رخداد دولت مرکزی اقدام به دستگیری ده هاتن از طرفداران گامزآوردیا کرد. همچنین برخی گزارشها حاکی از آنند که نیروهای مسلح طرفدار گامزآوردیا در پاره ای نقاط در شکست نیروهای دولتی گرجی در مقابل با جدایی طلبان آبخاز نقش مهمی داشته اند. آنها با اقدام به خلع سلاح برخی از پادگان های ارتشی، آن را در مقابل با شورشیان فلج کرده اند. سربازان دولت مرکزی گاه خود را در میان دو

## نخستین دیدار رسمی عرفات و رابین

برای گفتگو درباره مسائلی از قبیل بیت المقدس شرقی بود. قرار است ساکنان بخش عرب نشین شرق بیت المقدس در انتخابات برای تعیین حکومت موقت خود مختار شرکت کنند.

یکی از مسائلی که در هفته های اخیر به بروز نخستین اختلافات در تفسیر قرارداد واشنگتن انجامید، این بود که عرفات در اظهارات رسمی و غیر رسمی خود، پیوسته از حکومت خود مختار آینده به عنوان

### سرکوب خونین مخالفین یلستین توسط ارتش روسیه

ادامه از صفحه ۱۲

مخالفان را تحریک کنند. از سوی دیگر، اپوزیسیون نیز که با شکست حلقه محاصره بدور پارلمان، نسبت به قدرت خود دچار توهم شده بود، به یک ساختمان شهرداری مسکو، ایستگاه رادیو تلویزیون سراسری جامعه مشترک المنافع و ساختمان خبرگزاری ایتر-تاس یورش برد و برای چند ساعت این اماکن را به تصرف خود در آورد. الکساندر روتسکوی از بالکن ساختمان پارلمان، مخالفان را به براندازی یلستین فراخواند. تلویزیون جامعه مشترک المنافع که در دست طرفداران یلستین است، به مدت چند ساعت برنامه های خود را قطع کرد تا مخالفان نتوانند از شبکه اول تلویزیون برای اعلام سقوط حکومت یلستین استفاده کنند. خود یلستین تنها در شامگاه یکشنبه یازدهم مهر، یعنی چندین ساعت پس از آغاز درگیری های مسلحانه بود که به کرملین بازگشت و رهبری سرکوب مخالفان را بر عهده گرفت. نیروهای مسلح وفادار به یلستین، از اطراف مسکوبه داخل شهر آورده شدند و نخست تا ناک و توپ، ساختمانهای تلویزیون و خبرگزاریها را از مخالفان پس گرفتند. در زد و خورد های اطراف ایستگاه شبکه اول تلویزیون مسکو، حداقل ۲۴ نفر کشته شدند.

در نخستین ساعات صبح دوشنبه دوازدهم مهرماه، حمله به مقر پارلمان آغاز شد. ده تانک - شلیک به سوی ساختمان شورای عالی را که مدافعان آن تنها به سلاحهای سبک مجهز بودند، آغاز کردند. واحدهای ویژه چتر باز وفادار به یلستین، نخست چهار طبقه از عمارت ۱۹ طبقه پارلمان را اشغال کردند. توپ های سنگین تانک های مهاجم، خسارات سنگینی به ساختمان پارلمان وارد کردند و چند طبقه از این ساختمان را به آتش کشیدند. نمای سفید ساختمان پارلمان، از نیمه به بالا سیاه شد و حفره های بزرگی در دیوارهای بیرونی عمارت شورای عالی به وجود آمد.

علیرغم خشونت بی حد و مرز نیروهای دولتی در حمله به پارلمان، هزاران تن از مخالفان یلستین کماکان به تظاهرات در اطراف مقر پارلمان ادامه می دادند. جمعیت با شعار «همه قدرت به شوراها» و «یلستین قاتل است» و «زنده باد اتحاد شوروی بدون داشتن سلاح در برابر پیشروی تانک ها صفت زنجیر ایجاد کرده بودند. اما با تشدید تیراندازی متقابل، بسیاری از مردم کشته شده و صفت تظاهرات به عقب رانده شد. گفته می شود در درگیری های دوشنبه هفته گذشته در ساختمان اطراف آن، صد هاتن کشته شده اند.

همزمان با حمله به پارلمان، دیوان عالی کشور روسیه تشکیل جلسه داد تا در مورد این یورش داوری کند. حکم دیوان عالی کشور اعلام شد، اما این امر که یلستین روز سه شنبه هفته گذشته اعلام کرد که این دادگاه که توسط خود او

### بی نظیر بو توبه قدرت بازمی گردد؟

ادامه از صفحه ۱۲

دانست. وی گفت بر گزار کنندگان انتخابات برای بسیاری از طرفداران حزب مردم و بویژه زنان، کارت شناسایی صادر نگردانند و از این رو، بسیاری از کسانی که می خواستند به حزب مردم رای دهند، از شرکت در انتخابات بازماندند. در انتخابات هفته گذشته برای نخستین بار، داشتن کارت شناسایی شرط شرکت در انتخابات بود. تا پیش از این، سند ازدواج نیز می توانست برگ هویت لازم برای دادن رای به شمار آید.

در پاکستان رسم است که مردان به جای همسران خود نیز رای می دهند. از آنجا که طبق قوانین اسلامی، شناسنامه های زنان فاقد عکس اند، فروش شناسنامه ها در آستانه انتخابات بسیار معمول است. احزاب و نامزدهای انتخاباتی به معمولاً از زمین داران و سرمایه داران اند، در ازای مبالغ ناچیزی شناسنامه های زنان را از شوهران آنها می خرید تا در روز انتخابات بتوانند آرای بیشتری به نفع خود به صندوق ها بریزند. بر این نکته، این رانیز باید افزود که بسیاری از زنان در پاکستان فاقد شناسنامه اند، به این علت که شوهران آنها در انتخابات قبلی شناسنامه آنها را فروخته اند و یا اصلاً هرگز شناسنامه نداشته اند. قبل از برگزاری انتخابات هفته گذشته، کمیسیون انتخابات به مدت چند ماه مشغول اعزام هیات های به اطراف کشور برای ثبت نام و صدور شناسنامه برای مردم بود.

نتیجه انتخابات چهاردهم مهر، سرنوشت حکومت آینده همسایه

## ۳ خبرنگار در

### حوادث مسکو کشته شدند

با درگذشت ایوان اسکوپان فیلم بردار فرانسوی تعداد خبرنگارانی که در راه تهیه گزارش خبری از جریان ناآرامیهای اخیر مسکو، پایتخت روسیه جان خود را از دست دادند، به سه تن رسید. ایوان تاسکوپان که برای فرستنده تلویزیونی TFI کار میکرد، روز سه شنبه ۱۳ مهرماه برابر با ۱۵ کتبر در نتیجه جراحات سنگینی که در جریان فیلم برداری از تیرد برای تسخیر استان کنکو، ایستگاه تلویزیون مرکزی مسکو برداشته بود، در بیمارستانی در پاریس جان سپرد.

پیش از آن روزی پک فیلم بردار انگلیسی نیز در جریان درگیری های نظامی با هدف تصرف استانبکنینو جان داده بود. این خبرنگار ۳۶ ساله برای فرستنده های تلویزیونی BBC انگلیس و ARD آلمان کار میکرد. همچنین سرگی کراسلینیکوف، از کارکنان تلویزیونی مسکو در جریان درگیری جان خود را از دست داده است.

تعداد نفرات پلیس فلسطینی است که قرار است تا فروردین ماه آینده در غزه و اریحا برقراری نظم و آرامش را بر عهده گیرند. در حالی که اسرائیلی ها نمی خواهند تعداد این افراد از ۶ هزار نفر تجاوز کند، عرفات مایل است یک نیروی فلسطینی سی هزار نفری، مجهز به هلی کوپتر و زره پوش تشکیل شود. قرار است نیمی از این نیرو از ساکنان مناطق اشغالی و نیمی دیگر، از فلسطینی های ساکن کشورهای عرب همسایه باشد.

تشکیل شده بود، به کلی منحل خواهد شد، نشان میدهد که قضات دیوان عالی کشور نظر مساعدی نسبت به یلستین و کودتای او ندارند. علاوه بر اعلام انحلال دیوان عالی کشور، در روز سه شنبه هفته گذشته دادستان کل روسیه و فرمانداران دو منطقه از این کشور توسط یلستین برکنار شدند. همچنین پارلمان شهر مسکو توسط شهردار پایتخت منحل گردید و اعلام شد همه پارلمانهای محلی که علیه یلستین موضع گرفته اند، منحل خواهند شد. علاوه بر این یلستین اعلام کرد کلیه احزاب مخالف خود را ممنوع خواهد کرد.

صبح روز دوشنبه دوازدهم مهرماه، یلستین در نخستین موضعگیری خود پس از آغاز جنگ خیابانی در مسکو، طی یک سخنرانی تلویزیونی مدعی شد که کمونیست ها با تدارک قبلی دست به قیام مسلحانه زده اند و سربازان به پایتخت آمده اند تا «زنان و کودکان را نجات دهند. رئیس جمهور روسیه اعلام کرد رهبران اپوزیسیون تحت پیگرد بی رحمانه قرار خواهند گرفت.

نبرد بین مهاجمان و مدافعان پارلمان، ده ساعت به طول انجامید. عاقبت، عصر روز دوشنبه دوازدهم مهرماه، سیصد تن از نمایندگان کنگره و مدافعان باقی مانده پارلمان، تسلیم شدند. الکساندر روتسکوی رئیس جمهور منتخب پارلمان و روسلان خاسبولوف رئیس شورای عالی، توسط نیروهای دولتی بازداشت شده، به یکی از زندانهای مسکو انتقال یافتند. آنها پیش از تسلیم شدن، از دولت های جامعه اروپا برای خود تضمین جانی خواستند. وزیر خارجه جامعه اروپا که در بروکسل تشکیل جلسه داده بودند، سفیر بلژیک در روسیه را مامور تماس با دفتر یلستین در این مورد کردند. به گفته ژاک پوس وزیر خارجه لوکزامبورگ، دفتر یلستین قول داده است جان خاسبولوف و روتسکوی بدستمال تسلیم پارلمان، اقدامات وسیعی در جهت سرکوب دموکراسی در روسیه آغاز شد.

روزنامه ها و احزاب هدف مقدم این یورش بودند. فشار یلستین برای انحلال پارلمانهای محلی تشدید شده است. وی خواستار آن شد که شوراهای شهرها و محلات در سرتاسر روسیه خود را منحل کنند و برای انتخابات ماه دسامبر آماده شوند. بسیاری از شوراهای محلی با خود انحلالی مخالفت کرده و در برابر آن مقاومت می کنند. اما بنظر می رسد که دیر یا زود همه این شوراهارامنحل خواهند کرد و عملاً ۴۳ اصلی سیستم سابق یعنی حزب کمونیست و شوراهای برای ادامه فعالیت خود، با دشواری های بازم بزرگتری مواجه خواهند شد.

حکومت نظامی در مسکو که قرار بود تنها یک هفته ادامه یابد، تا ۱۷ دسامبر تمدید شده است و مسکو همچنان در زیر نیزه سربازان نفس می کشد.

## سرکوب خونین مخالفین یلتسین توسط ارتش روسیه

## بی نظیر بو توبه قدرت بازمی گردد؟

برگزار شد. غلام اسحاق خان که سه سال پیش، بی نظیر بوتورا از نخست وزیری برکنار کرده بود، در فروردین ماه جانشین او نواز شریف را نیز عزل کرد. اما با صدور رای دیوان عالی کشور پاکستان مبنی بر بی اعتبار بودن عزل نخست وزیر توسط رئیس جمهور، نواز شریف در مقام خود ابقا شد. با این حال مدت زیادی نگذشت که بحران سیاسی و کشمکش ها میان غلام اسحاق خان

در انتخابات هفته گذشته پارلمان پاکستان، بی نظیر بوتورا را س حزب مردم بر رقیبای خود پیشی گرفت. در حالی که حزب مردم توانست ۸۶ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجلس را به دست آورد، مهمترین رقیب این حزب یعنی مسلم لیگ به رهبری نواز شریف نخست وزیر سابق، نتوانست بیش از ۷۲ نماینده به پارلمان بفرستد. تقریباً یک چهارم کرسی های مجلس به احزاب محلی و



نمایندگان منفرد اختصاص یافته است. سرنوشت دولت آینده پاکستان، بسته به این است که این احزاب کوچک و نمایندگان مستقل، از چه کسی برای احراز مقام نخست وزیری حمایت کنند. بوتو پس از انتخابات، ضمن اعلام اینکه برنده انتخابات است، اظهار داشت که با تشکیل یک ائتلاف، ریاست دولت را بر عهده خواهد گرفت.

انتخابات پارلمانی پاکستان به علت بروز بحران قدرت و اختلاف میان غلام اسحاق خان و نواز شریف رئیس جمهور و نخست وزیر سابق

فرمان انحلال را صادر کرده بود. بدین ترتیب اگر یلتسین میخواست به روند تضعیف موضع خود پایان دهد، می بایست مخالفان را وادار می کرد دست به اعمال قهر بزنند.

چنین نیز شد. پس از زد و خورد های مستمر پلیس و مخالفان در اطراف پارلمان، در ظهر روز یکشنبه یازدهم مهرماه، مخالفان نخست بدون استفاده از اسلحه گرم حلقه محاصره پارلمان را از بیرون شکستند. تا این لحظه، نظاره کنندگان علیه پلیس که به باتوم و سپر های فولادین مجهز بود، با میله های آهنین می جنگیدند. وقتی حلقه محاصره شکسته شد، افراد پلیس در حال عقب نشینی به تیراندازی هوایی و سپس تیراندازی مستقیم به سوی مردم مخالف یلتسین پرداختند. اما این تیراندازی، ابعاد گسترده ای نداشت و به نظر می رسد نیروهای دولتی تنها میخواهند

انحلال پارلمان را داشته باشد،

می کردند. بنابراین، یلتسین تصمیم گرفت کار مخالفان خود را یکسره کند.

آنچه این فرضیه را تأیید می کند، این است که در اوج بحران، در روز شنبه دهم مهرماه، رئیس جمهور برای دوروز مسکورا ترک کرد. واحدهای پلیس مستقر در اطراف پارلمان در این روز و روز یکشنبه یازدهم مهرماه، اقدام به عقب نشینی گام به گام در برابر نظاره های مخالفان نمودند. به نظر می رسد این عقب نشینی و خروج یلتسین از مسکو، نوعی دعوت و تحریک رادیکال ترین مخالفان به آمدن به صحنه بود. واقعیت این است که از لحاظ قانونی، یلتسین تا قبل از ورود ادعای یکشنبه یازدهم مهر، دستاویزی برای سرکوب قهر آمیز مخالفانش نداشت. این یلتسین بود که خود را مأمورای قانون اساسی قرار داده بود و بدون اینکه حق انحلال پارلمان را داشته باشد،

دیگری نیز وجود دارد. بنا بر این فرضیه، یلتسین ده روز پس از اعلام انحلال پارلمان شاهد این بود که موضعش در افکار عمومی، نهاد های دولتی و ارگانهای قدرت محلی خارج از مسکو هر روز ضعیف تر می شود. نه تنها والری زورکین رئیس دیوان عالی کشور، بلکه همچنین یک گروهی متشکل از ۶۲ منطقه و جمهوری از ۸۹ بخش تشکیل دهنده فدراسیون روسیه، به جانبداری از برگزاری همزمان انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری برخاستند. شخصیت هایی مانند الکساندر یا کولف که معمولاً با یلتسین همراهی می کنند، خواستار انجام همزمان انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری شدند. در چنین شرایطی، گذشت زمان به سود یلتسین عمل نمی کرد. خاصیت تف و روتسکوی هر روز فراخوانهای خود خطاب به مردم و نهاد های دولتی مبنی بر مقاومت در برابر یلتسین را تکرار

باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه، کودتا خود علیه پارلمان را با سرکوب خونین مخالفان تکمیل کرد. در طی هفته دوم پس از صدور فرمان یلتسین در برابر انحلال کنگره نمایندگان خلق و شورای عالی روسیه، مقاومت در برابر این فرمان گسترش یافت. نمایندگان پارلمان کماکان در مقر شورای عالی باقی ماندند. روسلان خاسبولوف رئیس شورای عالی و الکساندر روتسکوی رئیس جمهور منتخب پارلمان، رهبری مخالفان را به دست گرفتند و خواهان برگزاری همزمان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان شدند. تعداد زیادی از مقامات و پارلمانی های محلی، علیه یلتسین موضع گرفتند و از انجام همزمان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان جانبداری کردند.

در مقابل، دولت یلتسین جریان برق و آب گرم و خطوط تلفن پارلمان را قطع کرد و کمربندی از نیروهای امنیتی بدور ساختمان سفید رنگ پارلمان مستقر نمود. این عمارت عظیم به مرکز مخالفان یلتسین تبدیل شد. در فضای عصبی و متشنج ایجاد شده در مسکو، مدافعان پارلمان مسلح شدند و اعلام کردند که در برابر هر گونه حمله به این ساختمان، تا آخرین گلوله مقاومت خواهند کرد.

در روزهای هشتم و نهم مهرماه، نخست این امید به وجود آمد که یلتسین میخواهد به محاصره پارلمان پایان دهد. یک سخنگوی یلتسین پس از دیدار او با اسقف اعظم مسکو اعلام کرد باریس یلتسین احتمالاً برای پایان دادن به جنگ قدرت، با رهبران پارلمان دیدار خواهد کرد. با اینکه یلتسین و مخالفانش در عالی ترین سطح ملاقات نکردند، اما نمایندگان خود را به صومعه ای در نزدیکی مسکو فرستادند تا در مورد حل و فصل بحران مذاکره کنند. قرار بود در ازای کاستن از سلاح های انباشته شده در پارلمان، به محاصره مقر پارلمان خاتمه داده شود. اما این توافق به عللی که هنوز نامعلوم است اجرا نشد و در روز نهم مهرماه محاصره ساختمان شورای عالی تنگ تر گردید.

یلتسین و همکارانش مدعی اند اپوزیسیون با تدارک قبلی قصد قیام مسلحانه داشت و از این رو به توافق خلع سلاح در برابر رفع محاصره تن نداد. اما در این مورد، فرضیه

وضعیت عمیقاً تراژدی یک پدید آمده در مسکو بی آمد منطقی و گریز ناپذیر دیوانگی غیر مسئولانه ای است که رفتار هر دو طرف را هدایت کرده است. این وضعیت کاملاً قابل پیش بینی بود و توسط بسیاری ناظران پیش بینی شده بود. ناظرانی که می توانند قبل از اینکه واقعیت بر آنها چیره شود با آن مواجه شوند.

از این زاویه است که صریحاً می گویم جانبداری از هیچ یک از دو طرف امکان پذیر نیست. زیرا در قبال آنچه اتفاق افتاده، در برابر درام و وحشتناکی که سراسر روسیه را فرا گرفته هر دو طرف مسئولند.

پرزیدنت یلتسین با این ادعا که خود تنها گرداننده قدرت باشد راه را هموار کرد. مخالفان او با تصمیم به حمله به شهرداری و مرکز رادیو تلویزیون خود را از چارچوب قانونی که مدعی و پرچمدار دفاع از آن بودند بیرون بردند. این دفاع از قانون بود که به مقاومت آنها حقانیت می داد.

آنها با بی توجهی به قانون،

## میخائیل گارباچف: نظر من

آنچه در زیر میخوانید نظر میخائیل سرگئیویچ گارباچف آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی است که در رابطه با حوادث چهارم اکتبر مسکو ابراز شده و در روزنامه (LaStampa) لا استمپا چاپ ایتالیا انتشار یافته است.

بدترین راه ممکن را پیش پای مردم روسیه قرار دادند. آنها برای پرزیدنت یلتسین فرصتی فراهم کردند که سبزی آنها را یک بار برای همیشه تمام کند.

مسئولیت عظیم دیگری بر دوش رئیس جمهور است. در چنین وضعیتی یکشنبه قطب های اصلی طغیان تقریباً خاموش شده بود، استانکینو (مرکز رادیو تلویزیون) دوباره پس گرفته شده (یا اصلاً دست نرفته) بود. خیرگزاری اینترنت هم همینطور. تنها کاخ سفید باقی مانده بود که آنهم از نظر سیاسی و نظامی کاملاً منزوی شده بود. در چنین وضعیتی کاملاً امکان پذیر بود که راه حلی در نظر گرفته شود که متضمن خونریزی نباشد. هیچ دلیلی برای حادثه تر کردن مسائل و تلاش برای فتح ساختمان، عمیق تر کردن زخم و خونریزی بیشتر وجود نداشت. ولی یلتسین به حمله نهایی دست زد. او نوعی از پیروزی را طلب می کرد که بهای سنگینی برای کشور، برای دموکراسی و برای اصلاحات در

برداشت. قبل از هر چیزی به این دلیل که ارتش مستقیماً در مرافعه دخالت داده شد، و سابقه خطرناکی را رقم زد که در آینده نتایج وخیمی برای دموکراسی و برای اصلاحات دربر خواهد داشت. جلوگیری از این وضع هم ممکن و هم ضرور بود. خطر اکنون در نشئه فتح نهفته است. این خطر چشم را بر روی دلایل واقعی و مسایل واقعی می بندد. مسائلی که هیچ ربطی به دعاوای ساختگی میان رئیس جمهور و پارلمان ندارد.

امروز در پرتو آنچه اتفاق افتاده حتی دلایل بیشتری فراهم شده است که در پاره مصالحه در کشور بیشتر تامل شود. جمهوری ها و مناطق و نواحی خود مختار باید فرا خوانده شوند که به عنوان حکومت وسیعاً مسئولیت بر عهده گیرند. آنها امروز تنها نهاد هایی هستند که قادرند با خطر تجزیه کشور مقابله کنند. امروز هر گونه اتوریته مرکزی عمیقاً وجداً بر اساس مصالحه مبتنی است.

تمام قدرت امروز غیر قانونی است. این بدان معناست که انتخابات زودرس ریاست جمهوری و پارلمان باید فوراً و بخصوص بطور همزمان برگزار گردد. فرصتی برای تلف کردن باقی نمانده است.

## آمریکا بر حضور نظامی خود در سومالی می افزاید

دستگیری ژنرال عیدید. برای رسیدن به این هدف، ارتش آمریکا بارها با هلی کوپتر و استفاده از نیروهای زمینی، محلات مسکونی در مرگادیشو با یخت سومالی را زیر آتش گرفته است. در این عملیات، تاکنون صد ها نفر از مردم غیر نظامی مرگادیشو کشته شده اند. از سوی دیگر، ژنرال عیدید با تکیه بر احساسات ضد اشتغالگر مردم، توانسته است بر نفوذ خود به ویژه در جنوب سومالی بیافزاید. اکنون عیدید برای آمریکا یک صدام حسین جدید است که برای شکار او باید به قدرت نمایی پرداخت.

هفته گذشته بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد این کشور حضور نظامی خود در سومالی را دو برابر خواهد کرد. در عین حال، دولت ایالات متحده به کنگره و افکار عمومی این کشور قول داده است که تا سال آینده نیروهای آمریکایی را از سومالی فرا خواهد خواند.

تصمیم کلینتون دایره افزایش حضور نظامی آمریکا در سومالی، بدنبال تشدید درگیری های نیروهای آمریکایی با طرفداران ژنرال عیدید رهبر شورشیان سومالی در مرگادیشو اتخاذ شد. طی هفته گذشته، چندین سرباز آمریکایی در این زد و خورد ها کشته شده اند و یک نظامی ایالات متحده به اسارت نیروهای عیدید درآمده است.

در حالی که نیروهای سازمان ملل واز جمله آمریکایی ها، نخست تحت عنوان رساندن کمک های انسانی به مردم سومالی وارد این کشور شدند، اکنون عملیات این نیروها در سومالی حالت یک جنگ تمام عیار را به خود گرفته است. آمریکایی ها برای اقدامات خود یک هدف نظامی مشخص اعلام کرده اند که عبارت است از



در مقابله مردم مخالف یلتسین با ارتش بیش از ۵۰۰ نفر کشته شدند

## کشتار و انتقام جویی در سومالی

در صفحه ۱۱